

مقاله پژوهشی

رویکرد سیاسی، اجتماعی به روایات خرافی و تحریفات در ادبیات آیینی و عاشورایی عصر قاجار (مطالعه موردی: منظومه‌های زبده الاسرار صفی‌علیشاه، گنجینه الاسرار عمان سامانی و آتشکده نیر تبریزی)

محمدهادی مرادی، رضا برزویی*، شراره الهامی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

سال هفدهم، شماره چهارم، تیر ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۹۸، صص ۲۰۵-۱۷۷

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7388>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: آمیخته شدن بسیاری از روایت‌های خرافی، داستانی، ذوقی و احساسی در روایات تاریخی و غیرقابل تحریف عاشورا و کربلا، سبب شده است که بویژه در دوران قاجار بدلیل سیاست‌های حکومت، مطالب خرافی و مجعول بسیاری در متون آیینی - ادبی که به این واقعه پرداخته‌اند، وارد شود. هدف اصلی این جستار تحلیل و بررسی این باورهای خرافی و تحلیل سیاسی - اجتماعی آن در ادبیات آیینی - عاشورایی عصر قاجار می‌باشد.

روش پژوهش: شیوه پژوهش در این مقاله بر روش توصیفی - تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و سندکاوی است. جامعه آماری پژوهش شامل سه اثر برجسته آیینی - عاشورایی از ادبیات منظوم دوره قاجار یعنی گنجینه الاسرار عمان سامانی، زبده الاسرار صفی‌علیشاه و آتشکده نیر تبریزی می‌باشد.

یافته‌های پژوهش: یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که خرافات، روایات جعلی، رویکردهای عاطفی، احساسی و هیجانی بنا بر ضرورت شرایط جامعه ایران در زمان حکومت قاجار در ادبیات آیینی این دوران بسیار رواج دارد.

نتایج پژوهش: آسیب‌های روایی در ذکر واقعه تاریخی کربلا از جمله توجه عاطفی به وداع امام با خانواده، اندوه و حزن و بیتابی اهل بیت امام حسین (ع) داستان‌های جعلی مانند عروسی حضرت قاسم در بحبوحه نبرد، تأویل‌های عرفانی نادرست و شبه‌ناک از این واقعه در هر سه اثر مورد بررسی بوضوح دیده می‌شود.

تاریخ دریافت: ۲۰ مرداد ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۲۲ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۱۰ مهر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۱ آبان ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

ادبیات عاشورایی، خرافات و تحریفات، رویکرد سیاسی - اجتماعی، دوره قاجار.

* نویسنده مسئول:

reza.borzoyi@iaua.ac.ir

۰۲۱ ۳۳۶۲۶۴۵۸ (+۹۸ ۸۷)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Political and social approach to superstitious narratives and distortions in ritual and Ashura literature of the Qajar era (case study: Safi Alisha's Zabdeh al-Asrar poems, Amman Samani's Ganjaneh al-Asrar and Tabrizi's fire temple)

M.H. Moradi, R. Borzoiy*, Sh. Elhami

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 11 August 2023

Reviewed: 13 September 2023

Revised: 02 October 2023

Accepted: 12 November 2023

KEYWORDS

Ashura literature,
Superstitions and distortions,
Political-social approach,
Qajar period.

*Corresponding Author

✉ reza.borzoiy@iaui.ac.ir

☎ (+98 87) 33626458

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: The mixing of many superstitious, fictional, tasteful and emotional narratives in the historical and incorruptible narratives of Ashura and Karbala has caused that, especially during the Qajar era due to the policies of the government, many superstitious and fake contents in the religious-literary texts that This event has been paid, enter. The main goal of this research is to analyze and investigate these superstitious beliefs and its political-social analysis in the religious-Ashura literature of the Qajar era.

METHODOLOGY: The research method in this article is a descriptive-analytical approach based on library studies and document analysis. The statistical community of the research includes three prominent ritual-Ashurai works from Qajar period verse literature, namely Ganjineh al-Asrar of Oman Samani, Zabdeh al-Asrar of Safi Alisha, and Ateshkoda of Nyir Tabrizi.

FINDINGS: The findings of the research indicate that superstitions, fake narratives, emotional, emotional and emotional approaches are very common in the religious literature of this era according to the necessity of the conditions of the Iranian society during the Qajar rule.

CONCLUSION: Narrative damage in mentioning the historical event of Karbala, including the emotional attention to the Imam's farewell to his family, the sadness and despair of the Ahl al-Bayt of Imam Hussein (a.s.), fake stories such as the wedding of Hazrat Qasim in the midst of the battle, false and suspicious mystical interpretations of this event. It can be clearly seen in all three examined works.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7388>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 44	 0	 0

مقدمه

حادثه عاشورا یکی از مهمترین و قابل توجه‌ترین رخداد‌های تاریخ اسلام است که بلحاظ تاریخی، سیاسی، اعتقادی و مذهبی بویژه در میان شیعیان از جایگاه و اهمیت بسیاری برخوردار است. «ثبت و نگارش وقایع عاشورا عمدتاً تا حدود قرن پنجم هجری، با رویکردی تاریخی ادامه داشت. بتدریج این تلاشها بویژه در سده‌های میانی در ایران، متأثر از نزدیکی و پیوند تصوّف و تشیّع از روش تاریخ‌نگارانه فاصله گرفت و با رسوخ روش و ادبیات داستانی در آن، وارد مرحله‌ای تازه شد» (جعفریان، ۱۳۹۱: ص ۴۱۲). اهمیت و جایگاه این واقعه تاریخی در میان مسلمانان تا جایی است که بخش عظیمی از آثار ادبی فارسی نیز دربرگیرنده حوادث و اتفاقات قیام امام حسین (ع) و عاشورا میباشد و گزارشهای مربوط به عاشورا در قالب گزاره‌های ادبی، روایی و عرفانی بسیاری در ادبیات فارسی بصورت منظوم و منثور پدید آمد که در آنها گاه شاهد رویکردهای عرفانی، تحریفی و ذوقی بسیاری نسبت به این حادثه تاریخی هستیم. از سویی دیگر به همان نسبت که نهضت عاشورا سبب تقویت و بالندگی معنویت در میان مسلمانان و بویژه شیعیان شد، رهیافتهای ذوقی و خرافی از این حادثه میتواند زمینه‌ساز چالشها و بحرانهای فرهنگی در میان شیعیان شود. بر این اساس آسیب‌شناسی و و بازنگری کلی این دریافت‌های شخصی و بعضاً خرافی و برساخته در روایت عاشورا کمک شایانی به محفوظ ماندن این واقعه از تحریفات و پلایش متون ادبی بلحاظ ارزیابی دقیق مطالب تاریخی و شناخت ساختار غیرعلمی و ضعفهای آن در روایت نهضت عاشورا دارد؛ چرا که اگر معنویت موجود در این رخداد تاریخی از منبع و مسند اصلی خود دور شود، یافتن پیوند استوار آن میان دیانت و تاریخ و انعکاس آن در سایر متون از جمله متون ادبی امری دشوار خواهد بود. واقعه عاشورا الگویی کاربردی و راهبردی جهت احیای ارزشهای معنوی دین مبین اسلام بشمار میرود و اما از دیرباز شبه معنویتها با اشاعه فرهنگ تحریف، خواسته یا ناخواسته راه را برای عقلانیت و تعقل در این موضوع بسته و بویژه با نگرشهای ذوقی، گفتمان عقلانی قیام امام حسین (ع) را به گفتمانی احساسی، اساطیری، عرفانی، ذوقی و خرافی تنزل داده‌اند. از این رو معیارها و سنجه‌هایی برای تشخیص گزاره‌های سره از ناسره در یک متن و تبعیری آسیب‌شناسی محتوای آنها، ضروری مینماید. آنچه در این جستار مدنظر نگارندگان است تحلیل تاریخی و روایت‌پژوهی نیست بلکه سعی شده تا به معرفی معیارهای شفاف و کارآمد در برخورد با سه متن منظوم و آیینی - عاشورایی یعنی زبده الاسرار، گنجینه‌الاسرار و منظومه آتشکده بپردازیم تا بتوان با استناد به آنها، این‌گونه متون ادبی و تاریخ ادبیاتی را بهتر شناسایی و تحلیل نمود چرا که مخاطبان ادبیات عمدتاً و بنا بضرورت ممکن است از دانش تاریخی و روایی متقن و علمی برخوردار نباشند و از همین خلاء موجود، تحریفات و خرافات مجال خودنمایی و ابراز وجود در عرصه مطالعات ادبی بویژه در ادبیات آیینی بویژه ادبیات کلاسیک را پیدا خواهند نمود.

در پژوهش حاضر سعی شده است تا با بررسی چندین اثر مهم عاشورایی در ادبیات فارسی قرائت‌های تحریفی، خرافی و ذوقی در آنها را واکاوی، تحلیل و بررسی نماییم. پرسش جستار پیش‌رو آن است که نموده‌های تحریفات و باورهای خرافی در ادبیات آیینی - عاشورایی در متون برجسته منظوم دوره قاجار (زبده‌الاسرار، گنجینه‌الاسرار و آتشکده نیر تبریزی) شامل چه میشود؟ دلایل این قبیل روایات جعلی و خرافی در این متون چه میباشد؟ فرضیه اصلی جستار حاضر آن است که شاعران این سه منظومه - عمان سامانی، صفی‌علیشاه و نیر تبریزی - بر اساس سیاق و روش عصر و زمانه خویش و عدم مذاقه در منابع روایی اصیل تحریفات فراوانی را در روایتهای عاشورایی خویش وارد نموده‌اند.

هدف پژوهش

نوع و میزان کیفیت گزاره‌های تاریخی در روایت یک اثر داستانی باید بگونه‌ای باشد که با سنجه‌های عقلانی و منابع تاریخی تا حدود زیادی قابل تطبیق باشد. هدف از نگارش این مقاله بیان تأثیرگذاری و کاربردی بودن گزاره‌های عقلانی و تاریخی در شیوه نگارش متون عرفانی و منظوم عاشورایی است که در دوران قاجار پدید آمده و با استقبال مخاطبان مواجه شده است؛ تا مشخص سازیم تحریفات و خرافات این آثار تاریخ ادبیات زبان فارسی تا چه میزان اصل واقعه عاشورا را در این متون تحت‌الشعاع خویش قرار داده است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

حادثه عاشورا و قیام امام حسین (ع) واقعیتی انکارناپذیر است که در رأس هرم اصالت بخشی و هویت دادن به فرهنگ اعتقادی تشیع قرار دارد. صرف‌نظر از کتب تاریخی که به این نهضت بزرگ پرداخته‌اند، کتب بسیاری در ادبیات فارسی درباره عظمت و سترگی این رخداد مهم با بیانی داستانی، عرفانی، حماسی و... به تحلیل زمینه‌ها، چرایی و پیامد وقوع رخدادها توجه نموده‌اند. انگیزه‌های فردی، سیاسی و اجتماعی بسیاری از شاعران و نویسندگان را بویژه از دوره صفویه به بعد و استقرار حکومت شیعی مذهب یکپارچه در ایران، بر آن داشت تا متون منظوم و منثور قابل توجهی را در این زمینه برشته تحریر درآورند. اما در این میان انگیزه‌های گوناگون، سبب ورود انبوهی از داستان‌سرایی و روایت‌های نادرست در کتب موردنظر شد که پالایش آنها از یک سو ممکن نبود و از دیگر سو زیر ساخت اصلی جنبه‌های داستان را با تخیل شاعر یا نویسنده عجین ساخته بود و به همین دلیل حذف این عناصر داستانی خیال‌انگیز که در ماهیت و بافت اثر تأثیرگذار بود، عملاً میسر نمی‌گردید. اما از آنجا که نهضت عاشورا و قیام امام حسین (ع) یکی از وقایع و رخداد‌های اساسی و قابل توجه در جهان اسلام بویژه در میان مسلمانان اهل تشیع بحساب می‌آید، تضعیف و تحریف این حقیقت بوسیله نویسندگان، شاعران و... عامدانه یا جاهلانه جنبه‌های گوناگون این نهضت عظیم را در لابه‌لای تحریفات گوناگون، در هم تنیده و مستهلک مینماید از این رو با نظر به تحریف‌سازی و ورود بسیاری از اخبار جعلی و نادرست در متون ادبی و تاریخی زبان فارسی که به این واقعه مهم پرداخته‌اند و با در نظر گرفتن میزان تأثیرگذاری این قسم از آثار بر مخاطبان خود، ضروری است تا سنجه‌ها و معیارهایی برای شناخت مطالب ناهمگون، باورهای خرافی و تحریفی در متون ادبی - آیینی حادثه عاشورا در اختیار داشته باشیم.

در میان ادوار گوناگون تاریخ ایران، دوره قاجار بلحاظ توجه به بنمایه‌های دینی، عرفانی، تصوف و شعر آیینی تشیع حائز اهمیت بسیاری است. دلیل انجام پژوهش در خصوص این مسأله و انتخاب دوره قاجار و توجه به تلفیق باورهای خرافی و ذوقی با اعتقادات دینی و مذهبی در متون دینی و آیینی این عصر، آن است که با توجه به رسمی شدن مذهب شیعه دوازده امامی در ابتدای حکومت صفویه و گسترش اندیشه‌های خرافی در ادامه آن، بسیاری از موضوعات دینی از جمله نهضت عاشورا، با نگرش غیرتعقلی مورد توجه ادیبان، نویسندگان و عامه مردم قرار گرفته و ساختار سیاسی - اجتماعی حکومت قاجار بر این امر دامن زد؛ آفات و آسیب‌های موجود در گزارش‌های واقعه کربلا در میان بسیاری از متون ادبی و تاریخی پیش از کتب حدیثی مخفی و ناپیداست چرا که نویسندگان این متون با رهیافتهای که در نقل روایت، خبر و حدیث مورد استفاده قرار داده‌اند، بنوعی جواز دخل و تصرف هنرمندانه را در اصل واقعه نیز بخود دادند، تا جایی که گاه متون بر جای مانده از این قسم با انواع مشکلات تاریخی در ذکر وقایع

و حوادث، دست به گریبان است از این رو بررسی و جستجوی آسیبها و مشکلات خرافی و بدعتهای موجود در این آثار ضروری مینماید.

روش پژوهش

بمنظور سنجش نگرش خرافاتی، ذوقی و بدعتها و تحریفات در شعر عاشورایی، با توجه به شیوهها و روشهای موجود مطالعاتی، روش تحلیل محتوا بهترین و کارآمدترین روشهاست؛ چرا که مستندترین منابع در اختیار، آثار شاعران، ادیبان و تاریخ‌نگارانی است که کتب آنان بعنوان بخشی از تاریخ ادبیات زبان فارسی از روزگار گذشته بر جای مانده است؛ لذا در این پژوهش با بهره‌گیری شیوه تحلیل محتوا بر روش توصیفی و مطالعات کتابخانه‌ای درصدد خواهیم بود تا محوریت‌های جهت‌گیریهای خرافاتی و بدعت‌آمیز در آثار عاشورایی ادب فارسی با تکیه بر رهیافتهای کتب تاریخی و ادبی عصر قاجار را تحلیل و واکاوی نماییم. آسیب‌شناسی خرافات، بدعتها، تحریفات و رویکردهای ذوقی با سنجها و معیارهایی از جمله معیار تعقل و اندیشه سلیم، توجه به واقعیت‌های متقن تاریخی، بهره‌گیری از منابع معتبر، بخوبی قابل تحلیل و واکاوی است. در این پژوهش سعی شده است از معیارهای یاد شده تا حد امکان جهت بررسی شبهات و تحریفات موجود در ذکر وقایع عاشورا در عصر قاجار بهره‌گیری نماییم تا نتایج بدست آمده علمی و مستدل باشد. جامعه آماری پژوهش پیش‌رو شامل سه اثر برجسته و مقبول و بسیار مشهور از ادبیات آیینی - عاشورایی عصر قاجار یعنی گنجینه‌الاسرار، زبده‌الاسرار و منظومه آتشکده میباشد.

پیشینه پژوهش

با توجه به بررسیهای صورت گرفته، پژوهش مستقل و علمی که با هدف آسیب‌شناسی متون ادبی و تاریخ ادبیات آیینی - سیاسی، در حوزه مطالعات عاشورا پژوهی نوشته شده باشد، یافت نشد. اما از میان تحقیقات انجام شده برخی مطالعات تا حدودی بمطالعه حاضر نزدیک هستند که در ادامه بمعرفی آنها خواهیم پرداخت:

در خصوص تحریف و نقد روایتهای تاریخی واقعه عاشورا پژوهشهای ارزنده‌ای صورت گرفته است از جمله کتاب «معرفی و نقد منابع عاشورا» از حسینی که در این کتاب منابع قابل اعتمادی بلحاظ روایی در شناخت حادثه عاشورا و گزارش وقایع آن ارائه شده است. عنایت در کتاب «اندیشه‌های سیاسی در اسلام معاصر» ضمن توجه بمتون شیعه و روش‌شناسی آنان در نقل حادثه عاشورا، برخی از تحریفات موجود در این واقعه تاریخی را تحلیل و بررسی نموده است. جعفریان در کتاب «جریانها و سازمانهای سیاسی و مذهبی در ایران» برخی نقاط مبهم حادثه عاشورا که سبب تحریف‌سازی مورخان و راویان خبر در طول تاریخ شده است را بصورت مختصری مورد توجه قرار داده و بررسی کرده است. اسفندیاری در اثری با عنوان «کتابشناسی تاریخی امام حسین (ع)» صد کتاب برجسته و معاصر را آسیب‌شناسی و نقد کرده است. ضیایی در کتاب «جامعه‌شناسی تحریفات عاشورا» مباحثی را پیرامون نقد و بررسی منابع و مقاتل عاشورایی و تحلیل و ارزیابی فرهنگ عاشورا و علل تحریفات راه یافته به این رخداد تاریخی مورد توجه قرار داده است و با گریز به بخشی از ادبیات کلاسیک ایران و نیز دوران معاصر و بویژه ادبیات انقلاب اسلامی مطالبی را در نقد و تحلیل قراردادده است. رویکرد این کتاب نیز با مقاله پیش‌رو متفاوت است.

حسینی (۱۳۹۷) در رساله دکتری با عنوان «آسیب‌شناسی مطالعات عاشورا از عصر پهلوی تا انقلاب اسلامی» مقاتل عصر پهلوی تا دوران انقلاب اسلامی را از حیث صحت و سقم روایت بررسی نموده است؛ وجه تمایز این

پژوهش با مقاله حاضر در آن است که در جستار پیش‌رو معیارهای شفاف و کارآمدی جهت بررسی متون ادبی و تاریخ ادبیات از رهگذر بیان شواهد ادبی، ارائه خواهد شد.

حسینی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای نیز با عنوان «بررسی گزارش محمد بن سعد از زندگی و قیام امام حسین (ع)» بروش تاریخی اما بصورت محدود به بررسی منابع روایی بازمانده از رخداد کربلا و عاشورا پرداخته است. در هیچ یک از منابع مورد ارزیابی ادله و ارائه نظریه‌ای جامع در خصوص روایت‌های آیینی از حادثه عاشورا در متون ادبی مورد توجه قرار نگرفته است و آسیبها و آفتهای ورود خرافات، تحریفات و تأویلات ذوقی از این نهضت عظیم تاریخی مسأله و دغدغه دانشوران و پژوهشگران نبوده است. از این رو طبق بررسی نگارندگان در پژوهشهای نشر یافته، کتاب یا مقاله‌ای با محوریت پاسخ به پرسشهای مدنظر این جستار یافت نشد.

چارچوب نظری بحث

شعر عاشورایی شعری است که «پیرامون قیام الهی حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، اخبار مبتنی بر شهادت ایشان و یارانش، توصیف شخصیت‌های عاشورا، توصیف صحنه‌های جنگ کربلا، حوادث قبل و بعد از آن حادثه سخن می‌گوید» (کافی، ۱۳۸۸: ص ۳۵). شعر عاشورایی بخشی از ادبیات غنایی و نیز تعلیمی زبان فارسی است که در طول تاریخ ادبیات فارسی به اشکال گوناگون، اسلوبها، روشها، قالبها و شیوه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. ذوق و قریحه خلاق شاعران و سرایندگان از یک سو و تأثیرگذاری بسیاری از عوامل سیاسی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی از سوی دیگر سبب شد تا شعر آیینی - عاشورایی در تاریخ زبان فارسی پس از اسلام، فراز و فرودهای گوناگونی را تجربه نماید. در نتیجه بنا بر ضرورت حکومت‌های مختلف و جهت‌گیریهای عدیده مضامین بسیاری اعم از مضامین غیرحقیقی، خرافی، جعلی یا باورهای نادرست و اغراق‌آمیز به اصل ماجرای تاریخی این حماسه سترگ افزوده شد که لازم است به تحلیل آنها پردازیم.

برخی از شاعران و نویسندگان تاریخ ادبیات فارسی بویژه از عصر صفوی تا پایان دوره قاجار، به زهد، تقوی و دلدادگی بساحت مقدس حضرت امام حسین (ع) اهل بیت مشهور و معروف بوده‌اند و حسن سابقه اعتقادی و دینی آنان در تاریخ ادبیات و تذکره‌های موجود به اثبات رسیده است. با این همه این بزرگان گاه برای تدوین اثری ادبی یا کتابی تاریخی درباره قیام امام حسین (ع) با رونوشت‌برداری از آثار ضعیف یا منابع روایی سست و بی‌پایه و اساس، به جمع‌آوری و انعکاس داستانهای عاشورایی پرداخته‌اند. جلب رضایت پادشاه، مرثیه خوانان، رویکردهای عوام‌گرایانه و شرایط اعتقادی جامعه و تأکید بر رویکردهای اهل عرفان و تصوف، داشتن نگاه افسانه‌ای و اسطوره‌ای جهت پررنگ ساختن جنبه‌های احساسی در حماسه عاشورا بمنظور تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب از دلایل اصلی آسیب‌های موجود در این‌گونه آثار است چنانکه نویسندگان و شاعران به منابع قابل اعتماد تاریخی مراجعه نکرده و سبب بوجود آمدن متونی آمیخته با تحریفات و خرافات شده‌اند. از آنجا که در متون ادبی، این آفات و آسیبها بسیار مخفی و ناپیداست و از دیگر سو اینگونه آثار معمولاً از اقبال مخاطبان در محافل خصوصی و عمومی و مجالس روضه‌خوانی نیز بهره‌مند بودند و مخاطبان آن عموماً مردم عادی بوده که از دانش تاریخی چندانی برخوردار نبوده‌اند؛ از این رو شرایط لازم برای ورود بسیاری از اندیشه‌ها و داستانهای خرافی، اسطوره‌ای و جعلی بعرضه متون ادبی در این دوران فراهم شده است.

مفهوم‌شناسی تحریف در ذکر حوادث کربلا و واقعه عاشورا

اگرچه تحریف در متون دینی و روایی می‌تواند اشکال و صورتهای گوناگونی داشته باشد اما در دیدگاه کلی منظور از تحریف دو حیطة کلی را در بر می‌گیرد نخست تحریفات لفظی و دیگر تحریف معنوی یا محتوایی. منظور از تحریفات لفظی، تغییرات عامدانه یا سهوی است که در عبارات یک متن یا نصّ دینی بوجود می‌آید و ماهیت تحریف معنوی شامل اشتباهات و اشکالاتی است که در ذکر داستانها و حوادث رخ میدهد؛ مانند داستان عروسی حضرت قاسم، داستان حضور لیلی در حادثه کربلا، داستان شیر، حضور اسراء به کربلا در اربعین، التماس آب از دشمن و... تحریفاتى هستند که به عمد یا سهو از سوی تاریخ‌نگاران، نویسندگان و... وارد اصل محتوای این واقعه شده است (ر.ک مطهری، ۱۳۶۳: ۳ / ص ۲۴۸). در ایجاد جریان تحریف و خرافات در رخداد عاشورا عوامل بسیاری دخیل بوده است. «همانطور که تاریخ نشان میدهد عمال اموی همواره در تلاش جدی برای نابودی اثرات عاشورا و محو نام آن بودند و بسیاری از طرفداران آنان در این زمینه تلاشهای زیادی کردند. پس از معاویه، عمال یزید برای شهادت امام حسین (ع) توجیهات شرعی بسیاری فراهم کردند و با خدمت گرفتن محدثان، موارد جعلی بسیاری را به این واقعه افزودند. «داستان شیر و فضّه که در اصول کافی به آن اشاره شده است و امروزه در تعزیه‌ها روایت شده و با آب و تاب فراوان نقل میشود، ساختگی بود (ه) و در قرن دوم بصورت افسانه‌ای موسوم به واقعه کربلا افزوده شده است. داستان شیری که تجسم حضرت علی (ع) بود و در بحار الانوار مورد توجه قرار گرفته توسط علامه مجلسی نیز از راوی در کتابی مجهول المؤلفی ذکر شده است که شخص علامه در صحت و سقم آن تردید نموده‌اند. روضه حضرت فاطمه از درون کفن برای امام حسین (ع) که در ناسخ‌التواریخ و بحار الانوار ذکر شده است از سوی علامه مجلسی بعنوان روضه‌ای جعلی و دروغین در جلد چهارم و سوم از بحار الانوار معرفی شده است. از سویی تلاشهای حکومتی‌هایی مانند صفویه در کسب مشروعیت در زمانی که بدنه حکومت به انواع آسیبهای اقتصادی و فرهنگی و سیاسی مبتلا بود نیز در افزودن برخی روایتهای جعلی به این داستان مؤثر بود. بعنوان مثال داستان همسر امام حسین (ع) شهربانو، داستان جعلی است که در هیچ منبع تاریخی از وی بعنوان همسر امام (ع) یاد نشده است. افسانه ازدواج امام حسین (ع) با شهربانو به همین جا ختم نمیشود و شگفت آنکه شهربانو حتی در کربلا هم حضور دارد. در کتاب روضه‌الشهدا در باب خداحافظی امام با اهل بیت خود از قول کاشفی خداحافظی با شهربانو! نیز ذکر شده است. از نمونه‌های دیگر افسانه‌هایی که به این مسأله وارد شده است افسانه صدور فتوا توسط شریح قاضی است که حکم به شهادت امام (ع) میدهد. اما در هیچ یک از منابع معتبر تاریخی اثری از این فتوا نیست. «تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی، الارشاد شیخ مفید، اعیان الشیعه امین عاملی، تتمه المنتهی محدث قمی، رجال نجاشی، رجال علامه حلی، الغدیر علامه امینی، منتهی‌الامال محدث قمی و کتب معتبری دیگر از این قبیل از جمله مأخذی هستند که این روایتهای جعلی در آنها نیست و اشاره‌ای به این داستانها از جمله عروسی قاسم (ع)، حج ناتمام امام حسین (ع)، قمه زدن و کوبیدن سر به محمل توسط حضرت زینب (ع) نشده است. بعنوان نمونه‌ای دیگر در خصوص درگذشت دختر چهار ساله امام حسین (ع) در خرابه‌های شام تنها منبع موجود عمادالدین حسن بن علی طبری صاحب کتاب کامل بهایی می‌باشد که مأخذ وی کتاب حاوییه در مثالب معاویه از آثار قاسم بن محمد بن احمد از علمای اهل تسنن است و بجز منبع مزبور هیچیک از دیگر کتب روایی معتبر از حکایت دختر خردسال [امام] که با دیدن سر بریده پدر جان سپرد، سخنی بمیان نیاورده است» (ضیایی، ۱۳۸۴: صص ۵۶ - ۶۲). «منشأ اصلی انحرافات و شبه‌معنویتها یکی نادانی است و دیگری هوی پرستی. همچنین ناامنی اجتماعی رابطه‌ای مستقیم با حکومت و تداوم اندیشه‌های شبه‌معنوی در دین دارد زیرا آشفستگی اوضاع سبب سست

شدن پیوند واقعی عالمان با جامعه شده، موجب می‌گردد تا ایشان ناامید از هر گونه اصلاح اجتماعی، بعزلت روی آورند و تمایل به تفکرات صوفیانه، حزن، عقل‌گریزی، ترک علم‌آموزی و جمود علمی در این شرایط رونق یابد» (سمنانی، ۱۳۶۶: ص ۳۱). از این رو در دوران قاجار با دوری گزیدن عالمان حقیقی از عرصهٔ دیانت و رواج فرهنگ تحریف و نیز خرافه‌گویی در نگاشته‌های آیینی و دینی بویژه در واقعهٔ کربلا، این موضوع به یکی از موضوعات و عوامل بحران‌زا در حیطهٔ معنویت شیعی تبدیل شد. «با بررسی مقاتل و متون عاشورایی اولیه در می‌یابیم که عمده منابع تاریخ عاشورا تا قرن هفتم قمری از اعتبار قابل توجهی برخوردارند و تحریف‌بمیزان اندکی در آنها راه یافته و نویسندگان تا حد زیادی بمنابع اصلی پایبند بوده‌اند» (رنجبر، ۱۳۸۶: صص ۸۱ - ۹۰). اما همزمان با ناسامانی اوضاع از قرن هفتم و هشتم به بعد، حملهٔ مغول، حکومت شیعه مذهب صفوی و تعصبات بسیار زیاد حاکمان و سردمداران این حکومت و انحطاط فکری و اخلاقی بسیاری از زاهدان و متصوفه، مطالب تاریخی این مکتب شیعی را با تنزل معنوی مواجه ساخت این امر سبب بسط مقوله‌های عرفانی و ذوقی بسیاری به‌مراه خرافات در گفتمان آیینی و شیعی واقعهٔ عاشورا گردید. از دورهٔ صفویه شاهان صفوی با تمسک به دستاویز سیادت، در صدد جلب توجهٔ عامهٔ مردم شدند و با بهره‌گیری از تحمیق آنان به رواج خرافات در مسائل مذهبی روی آوردند و در ادامه، این سنت در دوران قاجار به بالاترین حد خود رسید (ر.ک فوران، ۱۳۹۴: ص ۷۸). «نفوذ باورهای خرافی در میان نخبگان سیاسی و دینی و شاه و سطوح مختلف جامعه برآیندی جز آمیخته شدن معنویت شیعه در باتلاقی از منفعت‌طلبی خرافی نبود» (شاردن، ۱۳۷۵: ۳ / ص ۱۰۳۲). از رهگذر چنین فضایی پس از سقوط حکومت صفویه، روند دور شدن مردم از اصل و حقیقت معنویت شتاب گرفت. «علت این شتابندگی را میتوان در استبداد فکری و سیاسی بیشتر حاکمان، ضعف جانبداری از مبانی تشیع و افکار برخی شعائر شیعی نظیر منع برگزاری عزاداری امام حسین (ع) حضور کم‌رنگ علمای شیعه در ساختار حکومتها و انزوای سیاسی آنها در دورهٔ افشاریه و زنده‌ی سبب ایجاد پایه‌های اصلی این مسأله شد» (سلیمی و همکاران، ۱۴۰۰: ص ۱۳۱).

زمینه‌های اجتماعی و سیاسی پیدایی تحریفات، خرافات و امور ذوقی در بیان رخداد عاشورا و واقعهٔ کربلا

بخش قابل توجهی از علل بروز تحریفات و خرافه‌گرایی در عقلانیت و معنویت حادثهٔ عاشورا را باید در فضای سیاسی، اجتماعی حاکم بر جامعهٔ ایران جست و جو کرد. چرا که «همواره تاریخ و ادبیات از اوضاع سیاسی بسیار متأثر بوده و در بکارگیری روش تاریخ‌نگاری یا نقل روایت‌های تاریخی این مسأله بصورت قابل توجهی به ایران در سال ۶۱۶ هـ. ق و پایان یافتن کامل خلافت عباسیان ۶۵۶ هـ. ق تساهل و تسامح در گفتمان دینی در موازنه با گفتمان قدرت در دوره‌های پیشین اندکی بیشتر شد تا آنکه حکومت صفویه بر مبنای آیین شیعی استوار گردید» (دهباشی و میرباقری فرد، ۱۳۸۴: ص ۶۸). پس از روی کار آمدن حکومت صفویه به مرور زمان «پادشاهان صفوی با تمسک به اهرم سیادت، درصددتحمیق عامهٔ مردم از طریق رواج تحریف و خرافه‌گویی برآمدند. آنان با استفاده از جهل مردم، برهیافت مقولات صوفیانه نظیر تحجر، عقل‌گرایی و خرافه‌گویی در گفتمان شیعه مبادرت ورزیدند» (فوران، ۱۳۹۴: ص ۷۸). گسترش اندیشه‌ها و باورهای خرافی در میان نخبگان سیاسی و دینی، شاه و دیگر طبقات در سطح جامعه از سدهٔ دهم به اندازه‌ای زیاد شد که از چشم مستشرقین و تاریخ‌نویسان بیگانه نیز مغفول نماند (ر.ک شاردن، ۱۳۷۵: ۳ / ص ۱۰۳۲). تا جایی که بسیاری از آنان کتب عرفانی و مراسماتی نظیر روضه‌خوانی را

آمیخته با انواع بدعتها و خرافات نموده بودند و روضه‌خوانی توسط عده‌ای مذهبی‌نما و صوفیان ریاکار، ابزاری برای کسب درآمد شده بود.

معیارهای عقلانی اصلیت‌ترین راهکار تشخیص خرافات و بدعتها

یکی از معیارهای اساسی و اصلی در نقد حدیث، روایت یا خبر، عقل است. در خصوص تعریف لغوی و اصطلاحی عقل مطالب فراوانی نقل شده است اما آنچه که حائز اهمیت است آنکه در اینجا مقصود از عقل افزون بر باورها، مسلمات عمومی و کلی مورد پذیرش همه انسانهاست و باورهای بدیهی، عقل فطری و سالم که معیار تشخیص انحراف، آلودگی و بدعت میباشد، مورد تأکید است. «ویژگیهای خاصی مانند تشخیص مسیر حق، درک مفاهیم دینی و روشنفکری و هدایتگری [از اوصاف این نوع علم است] که در روایت العقل ما عُبِدَ به الرحمن و اکتساب به الجنان، ناظر بهمین بعد از عقل است؛ چنانکه علامه طباطبایی نیز عقل را بر اساس محتوای آیات قرآن، بجزئی تعریف میکند که انسان در دینش [و شناخت درست از نادرست] از آن بهره‌مند شده و هدایتگر انسان بسوی اعمال صالح و حقایق معارف است و اگر در این مسیر نبوده و فقط در خیر و شرهای دنیوی کارایی داشت، دیگر از دیدگاه قرآن عقل نامیده نمیشد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه. ق، ۲ / ص ۲۵۴ ر. ک معارف و مرادی، ۱۳۹۶: ص ۸۸). در منابع روایی اهل تشیع نیز اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برای عقل در نظر گرفته شده است. افزون بر این، آموزه‌های وحیانی و دینی بر مشروعیت عقل در فهم و ادراکات بشری از دین و زندگی دنیوی مهر تأیید زده‌اند و در آیات بسیاری از قرآن مجید انسانها به تعقل و تفکر دعوت شده‌اند مانند آیه مبارکه ﴿ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴾ (رعد: ۱۹). یعنی «تنها صاحبان خرد و اندیشه متذکر میشوند؛ همانها که بعهد الهی وفا میکنند و پیمان نمیشکنند و آنها که پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده، برقرار مینمایند و از پروردگارشان میترسند و از بدی حساب بیم دارند و آنها که بخاطر پروردگارشان شکیبایی میکنند و نماز را بر پا میدارند». با این اوصاف کاربرد عقل در آموزه‌های مذهبی و دینی و تشخیص خطاپذیری و تحریف در آنها حائز اهمیت بسیاری است. آنچه که از مفهوم عقل در اینجا مستفاد است قوه ادراکی است که قادر است میان وهم و خیال و واقعیت تمییز دهد چرا که این قوه قادر است در مواجهه با یک روایت یا گزارش با تکیه بر امور قطعی پذیرفته شده که بخشی از آنها بدیهیات مقبول است و با در نظر گرفتن آنچه که شرایط پیرامونی است که به داوری بنشینند و مسأله را رد یا تأیید کند. در داستانهای مورد بررسی، اخباری وجود دارد که عمدتاً هدف شاعر یا نویسنده از بیان آنها پر رنگ جلوه دادن ابعاد احساسی، حماسی، اسطوره‌ای یا خیالی داستان است و افزودن بشمار معجزات و کرامات اولیاء الله بهر طریق ممکن که بهیچ وجه توجیه عقلانی و منطقی ندارند.

انواع نموده‌های تحریفی در روایات تاریخی عاشورایی:

توجه به حزن و اندوه امام حسین در هنگام وداع با اهل بیت: «از شاخصه‌های قرائت‌های خرافاتی عاشورا، گزارش وداع امام حسین (ع) با خاندانشان به‌دفع برانگیختن عواطف خواننده و شنونده و اشک ریختن اوست. البته اگرچه اصل وداع امام حسین (ع) با یاران و برخی از خاندانشان از جمله طفل شیرخواره خود در برخی از منابع متقدم و متأخر به اختصار گزارش شده است [مانند اشاره شیخ مفید، ابن اعثم، ابومنصور طبرسی و خوارزمی] اما صرف نظر از منافات و ناهمگونی چنین وداعهایی با مقام و شأن امام حسین (ع) به سبب برخورداری حضرت از بالاترین مقام رضا و درجه صبر، و صرف نظر از این پرسش که مگر چنین فرصتهایی برای امام حسین در روز عاشورا

فراهم بوده که در آخرین لحظات عمر خود چندین بار چنین وداعهای دلخراش و جانسوزی با اهل بیت خود کرده و سخنانی جانگداز و حزن‌انگیز بین آنان ردّ و بدل شده باشد. در منابع کهن اشاراتی بوداع امام (ع) از خاندان مطهر خویش شده است مانند اشاره مرحوم مجلسی که دو وداع را برای امام ذکر کرده و گفته است: «پردگیان سراقق عصمت را طلبید و دختران و خواهران را در بر کشید و هر یک را بثوابهای حق تعالی تسلّی بخشید و صدای شیون از خیمه‌های حرم بلند گردید... بعدها محدث قمی نیز این دو وداع را مورد توجه قرار داده است» (مجلسی، ۱۳۶۲/ ۱۵: ۳۷۴ و قمی، ۱۳۷۹: ۲ / صص ۸۸۷ - ۸۸۸ - ۸۹۹؛ ر.ک. مفتخری و رنجبر، ۱۳۸۷: صص ۱۸۳ - ۱۸۴). «گرچه در منابع روایی کهن، گزارشهایی پیرامون اندوه امام حسین (ع) در روز عاشورا از جمله هنگام بدرقه حضرت علی‌اکبر در زمان رفتن بمیدان جنگ و یا در شهادت حضرت عباس (ع) ذکر شده است اما تقویت این بعد از داستان حادثه عاشورا، هدفی جز تهییج عواطف و احساسات و رقت قلب خواننده را بدنبال ندارد تا جایی که یکی از نویسندگان عصر قاجار کتابی به نام امواج البکاء درباره جاهایی که امام حسین (ع) در روز عاشورا گریه کرده است، نگاشته است و با شوشتری شش جایی را که امام حسین (ع) در روز عاشورا گریه نموده، گزارش کرده است» (همان: ص ۱۸۴).

تأکید بیش از حد بر تشنگی امام و یارانشان: «موضوع تشنگی شدید و عطش امام حسین و خاندان مطهر ایشان از جمله حوادث و مسلمات واقعی و تاریخی عاشورا است که در تمامی گزارشات کهن و معتبر تاریخی از جمله تاریخ طبری، ۱۴۰۹: ج ۴، ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵ ق ص ۷۷، شیخ مفید ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۱۰۱ با دلایل و شواهد بسیار مورد تأکید قرار گرفته است» (مفتخری و رنجبر، ۱۳۸۷: ص ۱۷۶). بسیاری از اخبار و روایتهای که پس از واقعه عاشورا در خصوص این موضوع نوشته شده، تمام ابعاد مصیبت جانسوزی واقعه عاشورا را در تشنگی امام (ع) و خاندان ایشان منحصر ساخته است و حتی در برخی از منابع نامعتبر و موهوم درخواستهای عاجزانه طلب آب توسط سپاهیان امام (ع) ذکر شده است که با اصل عزت‌طلبی در سیره ائمه معصومین بویژه حضرت امام حسین (ع) منافات دارد. توضیح مطلب آنکه بر اساس آیه شریفه: «يَقُولُونَ لَئِن رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (منافقون: ۸) و روایات متعدد از ائمه معصومین از جمله کلینی در کتاب الکافی (۱۳۷۵/ ۵: صص ۶۳ - ۶۴) یکی از اصول اساسی حاکم بر رفتار و سیره ائمه معصومین، عزت‌طلبی است. با توجه به این سیره رفتاری حاکم بر منش امام حسین (ع) نمیتوان بهیچ وجه ذلت و خواری را در مطلب آب آنگونه که در برخی روایات جعلی وارد شده است از ایشان و یاران وفادارشان پذیرا بود و باور نمود. از این رو هر گونه مذاکره برای طلب آب و التماس از سوی سپاه امام حسین (ع) افسانه‌ای نارواست که صرفاً جهت تقویت بُعد عاطفی و احساسی به این رخداد عظیم تاریخی افزوده شده است. از این رو بنظر میرسد که راویان تاریخ عاشورا و گزارشگران این مقطع تاریخی در این زمینه دچار افراط و مبالغه‌گویی بسیاری شده‌اند.

عدم توجه به عزت و اعتبار والای ائمه: قیام عاشورا حادثه و رخدادی عظیم بود که هدف اصلی آن را میتوان احیای آبرو و عزت خاندان پاک نبوت و ائمه اطهار برشمرد؛ قیامی که حفظ کرامت انسانی و ارزشهای اخلاق عمده ترین محور اصلی آن بشمار میرفت. امام حسین (ع) در خصوص عدم بیعت با یزید بن معاویه فرمودند: «والله لا اعطیکم بیدی اعطا الذلیل و لا افر فرار السید» (طبری، ۱۳۶۳: ۴ / ص ۳۲۳). یعنی «بخدا قسم من دست ذلت بدستان شما نخواهم داد و مانند بندگان خوار و ذلیل فرار نخواهم کرد». عزت‌طلبی و سربلندی و پذیرفتن مرگ با عزت بر زندگی با ذلت در رفتار و سلوک یاران و نزدیکان امام (ع) نیز دیده میشد چنانکه پیک و فرستاده ایشان،

مسلم بن عقیل با ستایش آزادی و آزادی از بند ذلت فریاد میداد که «اقسمت لافتل الاحرآ و ان رایت الموت شیئاً مُراً» (مسعودی، ۱۳۹۶: ص ۶۰).

وجوه خرافی در داستان حضرت قاسم: مؤلف کتاب روضه الشهداء در اشاره به ماجرای حضرت قاسم (ع) که از فرزندان امام حسن (ع) است و در واقعه کربلا به شهادت رسیده است مطالبی را در خصوص «عروسی قاسم» در این حادثه ذکر کرده‌اند که عالمان نامداری چون علامه مجلسی، میرزا حسین نوری، شیخ عباس قمی و مرتضی مطهری آن را جعلی و غیر معتبر دانسته‌اند (ر.ک ضیایی، ۱۳۹۶: ص ۷). کاشفی در ضمن اشاره به ماجرا می‌گوید: «حضرت دختر را با وی عقد بست و دستش بدست قاسم (ع) داد و از خیمه بیرون آمد. قاسم از یکجانب دست عروس گرفته در وی مینگرد و سر در پیش می‌افکند که ناگاه از لشکر عمر سعد آواز آمد که هیچ مبارز دیگر مانده است؟ اما چون حسین (ع) دید که قاسم (ع) بمصاف می‌رود گفت بدین‌گونه نتوان رفت، دست کرد و گریبانش چاک زد و هر دو سر دستارش بجانب رویش فرو گذاشت و لباسش بشکل کفن درو پوشید و تیغ خود بدست وی داد و بمیدانش فرستاد» (کاشفی، ۱۳۹۰: صص ۵۸۱ - ۵۸۴). اطلاعاتی که در خصوص حضرت قاسم (ع) از منابع روایی و تاریخی برمی‌آید بسیار محدود است، بنحوی که تاریخ تولد دقیق ایشان مشخص نیست؛ اما از منابع برمی‌آید که مادر وی ام ابی بکر بوده است (ر.ک سمادی، ۱۳۸۳: ص ۷۱). ابن‌فندق در کتاب «لباب‌الانساب» سن ایشان را در هنگام واقعه کربلا شانزده سال ذکر کرده است (۱۳۸۵: ۱ / ص ۴۰۴) و دیگر منابع تنها به این نکته اشاره داشته‌اند که در هنگام شهادت، نوجوان بوده است (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۵ / ۱۰۲). مورخین و محدثین در خصوص حضور حضرت قاسم (ع) در واقعه کربلا اتفاق نظر دارند (همان)؛ اما بنظر میرسد تحریفاتی که پیرامون عروسی قاسم (ع) در بحبوحه نبرد کربلا ذکر شده است برخاسته‌های جعلی باشد که تنها برای تهییج عواطف و احساسات مخاطبان مورد توجه قرار گرفته و سندیت تاریخی ندارد. جوهری در «طوفان البکلاء» در عروسی حضرت قاسم (ع) آورده است:

ای پیک صبح با حسن مجتبی بگو	در کربلا عروسی قاسم به پا ببین
در بزم عشرت پسر نوجوان خویش	از خون به دست و پای جوانت حنا ببین
زینب ملول و مادر قاسم به فکر سور	یک جا نشاط بنگر و یکجا عزا ببین

(جوهری، ۱۳۹۹: ص ۲۲۳)

توجه محض به بُعد سوگوارانه و تراژیک و غفلت از اقتدار امام: یکی از ابعاد اصلی و مهم حادثه عاشورا، بعد اقتدار و شکوه این حماسه است؛ گرچه ابعاد حزن‌انگیز و سوگوارانه در این قیام دینی و آیینی نیز جایگاه خاص خود را دارد. مورخان متقدم در خصوص سوگواری در رخداد کربلا گزارشهای مختلفی ارائه کرده‌اند اما بازخوانی و توجه به بُعد سوگوارانه بعنوان عنصری محرک جهت به هیجان آوردن عواطف و احساسات مخاطب بی‌اهتمام به ابعاد شکوهمند این حادثه میتواند آسیبهای جدی را بر پیکره و اهداف قیام امام حسین (ع) وارد نماید. از قرن دهم هجری به بعد با روی کار آمدن حکومت شیعی مذهب صفوی، علاقه حاکمان و پادشاهان به ابعاد احساسی، عاطفی و سوگوارانه این قیام بسیار بیشتر از قبل شد تا جایی که پادشاهان صفوی و بعدها حاکمان قاجار، مجالس روضه و تعزیه‌های گوناگونی را جهت سوگواری و توجه به ابعاد تراژیک این قیام برپا میداشتند و عمده‌ترین توجهات آنان به برپایی مجالس حزن و سوگواری و ترسیم قرائت اندوهگین از این حرکت شجاعانه و حماسی امام حسین (ع) و یارانشان بود. البته این بدان معنا نبود که حکومت صفویه و قاجار تنها به رویکرد سوگوارانه در این حادثه بسنده میکردند بلکه در کنار این مسأله، همسو و همجهت با شرایط و وضعیت موجود، دیدگاه‌های افراطی از نوع

اساطیری، حماسی، عرفانی و خرافی را نیز بخدمت می‌گرفتند (ر.ک جعفریان، ۱۳۷۷: صص ۱۶۸ - ۱۷۰). این رویکرد که تنها عواطف مخاطب را بهیجان بیاورد و سبب اشک و سوز و گداز شود، وجه همّت بسیاری از شاعران، نویسندگان، مقتل‌نویسان، تعزیه‌خوانان و هنرمندان بود تا هر چه بیشتر جنبه غمبار آن را تقویت کنند. در این دیدگاه قهرمانان و جوانمردان واقعه و نهضت عظیم عاشورا، افرادی بودند که مورد ستم واقع شدند و تنها همین بُعد از این واقعه بود که می‌توانست مورد توجه قرار گیرد؛ حال آنکه توجه به مصائب و سوگواری بر اهل بیت پیامبر اکرم (ص) و نفرین دشمنان و لعن آنان زمانی می‌تواند تأثیرگذار باشد که توجه به چرایی قیام و اهداف و انگیزه‌های رهبر نهضت - امام حسین (ع) - بیشتر از ابعاد حزن‌آلود آن مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد؛ چنانکه رشادت، جنبه‌های حماسی، شجاعت، دلاوری و مرگ با عزّت و افتخار امام (ع) و یارانشان در پرتو اندوه و زاری در برخی از مرثیه‌سراییه‌های عاشورایی اهمیت چندانی نیافته است. آنچه در حادثه عاشورا حائز اهمیت است آنکه امام حسین و یارانشان گرچه به فجیع‌ترین شیوه ممکن بشهادت رسیده و یا اسیر شدند تا جایی که طفل شیرخواره نیز از بیرحمی و قساوت قلب و وحشی‌گری دشمن در امان نبود، اما غربت، اسیری، شهادت، تشنگی، وداع امام با یاران در کنار سترگی و کم‌نظیری رخداده عزتمند قیام علیه ظلم نباید چندان اغراق‌آمیز گردد که اصل حادثه بفراموشی سپرده شود؛ به آن معنا که بُعد حماسی این واقعه باید در کفّ‌های برابر با ابعاد سوزناک و دردآلود ماجرا مورد توجه قرار گیرد. بر اساس گزارش‌های تاریخی، از همان آغاز حادثه، این بُعد از واقعه کربلا، یعنی ستمها و اعمال وحشیانه یزید و حکومت وی در حق خاندان اهل بیت و بروایت امام سجاد (ع) و شاهدان عینی حادثه و مورخان کهن در گزارشات متعدد بوضوح ذکر شده است، اما قرائتهای کوتاه که بمرور زمان دامنه توجه به ابعاد خرافی و بسیط شدن آن بجهت افزودن بر بعد حزن‌انگیز این حادثه زیاد و زیادت‌ر شده است (ر.ک قربانی، ۱۳۹۶: صص ۲۹۰ - ۲۹۶). بعنوان نمونه از صحنه افسانه‌ای که در خصوص عروسی حضرت قاسم (ع) در رخداده کربلا و بحبوحه آشوب و درگیری بین سپاهیان امام و دشمنان که حادثه‌ای ساختگی و جعلی را بیان کرده‌اند. بنظر میرسد چنین توصیفات خرافی و افسانه‌های جعلی که به واقعه عاشورا نسبت داده میشود از آن روست که بویژه در دوران حکومت صفویه و قاجار، شاهان و متولیان امر چنین استنباط میکردند که ادله و براهین محکم عقلی در یک مکتب بخودی خود نمیتواند برای عامه مردم عادی و عوام جذاب باشد و استدلالهای خشک و وقایع تلخ تاریخی اگر با عاطفه و احساس مخاطب همسو و همجهت نشود، چندان تأثیرگذار نخواهد بود. «بنا به گزارش سیاحان اروپایی و شاهدان عینی درباره عزاداری ایام محرم در عصر صفویه و قاجار، آنچه در این مجالس عمدتاً از واقعه عاشورا روایت میشده و مخاطبان از آن استقبال می‌کرده‌اند، [بیشتر] بُعد عاطفی و تراژیک این واقعه بوده است؛ چنانکه پیشتر دلاواله جهانگرد ایتالیایی که در عصر شاه عباس اول از ایران دیدن کرده در این باره نوشته است: «ملاً بر روی آن [منبر] بروضه‌خوانی توصیف {امام} حسین و شرح وقایع می‌پردازد و گاهی شمایی چند نشان میدهد و روی هم رفته تمام سعی و کوشش خود را بکار می‌بندد تا هر چه ممکن است بیشتر حاضرین را وادار بریختن اشک کند» (مفتخری و رنجبر، ۱۳۸۷: ص ۱۹۸). از سوی دیگر اقبال و توجه مخاطبان بشنیدن افسانه‌ها و قصه‌های تخیلی، خرافات و رویکردهای دروغین که به اصل حادثه اضافه شده بود بجهت سرگرمی و دلمشغولی از دیگر دلایلی بود که حکومت صفویه و قاجار را وادار میکرد تا هر چه بیشتر ابعاد غیر واقعی این حادثه عظیم تاریخی را پر و بال بخشند و شاعران و نویسندگان بسیاری در این دورانها از هیچ کوششی بجهت اغراق‌آمیز ساختن داستان فروگذاری نکرده‌اند.

بررسی و تحلیل نمونه‌ها و شواهد

مثنوی زبده‌الاسرار:

مثنوی زبده‌الاسرار یکی از آثار ماندگار صفی‌علیشاه و از شاهکارهای ادب عرفانی - عاشورایی است که در بیش از ۴۵۰ بیت در بحر رمل مسدس محذوف با نگاهی آیینی بحادثه عاشورا به رشته نظم درآمده است. صفی‌علیشاه از شاعران عصر قاجار بود که در سال ۱۳۱۶ هـ. ق درگذشت. صفی‌علیشاه در بیان دیدگاه تأویلی و عاشقانه خود به این رخداد تاریخی می‌گوید:

گردد اندر مدحت سلطان عشق زبده‌الاسرار هم دیوان عشق
(ص ۱۳)

خود کجا یابد زبان تقریر عشق تا بر او ناید مدد از پیر عشق
(ص ۱۸)

صفی‌علیشاه در تأویل نکات عرفانی در خصوص واقعه عاشورا خود را مقلد و پیرو عارفان و شاعران نامداری چون مولانا میدانند:

تخم معنی کشت یعنی مولوی سبز کرد آن را صفی زین مثنوی
حاصل گفتار پیر معنوی زبده‌الاسرار بود از رهروی
(ص ۳۳)

صفی‌علیشاه در زبده‌الاسرار بیان میکند که وجه همت خویش را در شرح عرفانی وقایع عاشورا نهاده است تا بتواند این رویداد تاریخی را بصورت عرفانی بنظم بکشد.

گر حدیث از نینوا گویی رواست چون محل عشق دشت نینواست
کن جهان را پر شرار از نار عشق فاش گو ز اشراق دل اسرار عشق
(ص ۴۴)

در ادامه نکاتی را که بصورت تأویلات عرفانی و یا اغراق و بزرگنماییهای افسانه‌ای، موهوم و خلاف واقع در خصوص شخصیت امام حسین (ع) و حادثه عاشورا مورد توجه شاعر قرار گرفته است، بیان میکنیم:

بی‌اختیاری و دیوانه‌وار بودن در انجام فریضه الهی: صفی‌علیشاه امام را مجنون عشق و دیوانه‌وار توصیف کرده است که در حرکت و قیام خویش، اراده ای نداشته و تعقل منطقی و عقلانی در پس این حرکت دیده نمیشده است:

مرحبا آن عشق جمع یک زبان که نداند جمع و فرق جسم و جان
بر بلا و درد و رنج عشق یار خویشان را میزند دیوانه‌وار
(ص ۴۸)

پس از حمله مغول و از عصر تیموری به بعد، تشیع و تصوف بسیار بهم نزدیک شد تا جایی که ارادت به اهل بیت در متون عرفانی دوران صفویه و قاجار بسیار مورد تأکید و توجه قرار گرفت و تعداد کثیری از کتب عاشورایی، الهام گرفته از اندیشه‌های تصوف با رویکرد آیین تشیع بود. توصیفات صفی‌علیشاه از امام حسین (ع) در این ابیات ارائه داده است با رویکرد عزت‌طلبی و قیام هدفمندانه و عاقلانه امام (ع) منافات دارد.

عزت‌طلبی در واقعه عاشورا از چنان اهمیتی برخوردار است که میتوان هدف اصلی قیام امام حسین (ع) را حول این محور بتهنهایی مورد توجه قرار داد. قیام امام حسین نه از روی جنون و عشق، بلکه کاملاً عقلانی و در پی بیعت نکردن ایشان با یزید که فرمود: «والله لا اعطیکم بیدی اعطا الذلیل و لا افرّ فرار اسعید» (طبری، ۱۳۸۷: ۴ / ص ۳۲۳). یعنی بخداوند سوگند، دست ذلت بدست شما نخواهم داد و مانند بندگان، ذلیلانه رفتار نخواهم کرد. از این رو نسبت دادن حرکتی صرفاً عاشقانه و مجنون‌وار به قیام امام که تنها از روی احساسات و عواطف انجام شده باشد، نسبتی نارواست. صفی‌علیشاه در وصف حضرت زینب (ع) در حادثه عاشورا آورده است:

کی دهد تخم شهادت خود ثمر تا نباشد همچو زینب در به در
(ص ۵۹)

عزم میدان کرد چون حلال عشق زینب از پی با زبان حال عشق
گفت کای لب تشنه بحر وصال بعد از اینت در کجا یابم جمال
گفت بیرون از مکان و لا مکان چون شدی، یابی ز دیدارم نشان
زین سپس نه عالی‌ام نه دانی ام زین تعین پاک باید دانی‌ام
(ص ۶۲)

حضرت زینب بیشک در میان زنان اهل بیت و بویژه در میان زنان حاضر در واقعه عاشورا دارای جایگاه ویژه‌ای است. اهمیت و شأن والای ایشان زمانی آشکارتر میشود که رسالت حفظ هدف واقعی عاشورا از تحریفات معنوی و لفظی پس از شهادت امام (ع) بر عهده ایشان قرار میگیرد. فصاحت و بلاغت حضرت زینب در رسوا کردن خاندان یزید و ظلم آنان مورد تأکید تمامی منابع معتبر روایی قرار گرفته است و پس از شهادت امام (ع) طنین فریاد ایشان که مردم کوفه را بی‌وفایان و نیرنگ‌بازان خطاب میکند در اکثر کتب معتبر شیعی مورد توجه قرار گرفته است (ر.ک طبرسی، ۱۳۸۱: ۲ / صص ۳ - ۲).

حضرت زینب با اوصافی که از ویژگیها و سجایای اخلاقی ایشان در کتب تاریخی روایت شده است و با توجه به اهمیت رسالتی که بر عهده داشته‌اند، نمیتوانند در این رخداد عظیم و تأثیرگذار بشیوه احساسی عمل نمایند و از برادر آنگونه که صفی‌علیشاه روایت میکند وعده دیدار مجدد را بپرسند. حضرت زینب نهایت دلاوری، درایت و نگرش عقلانی خود نسبت به قیام امام حسین و رضا به قضای الهی و انجام وظیفه در رسالت دینی و سیاسی برادر بزرگوارشان را در این کلام بخوبی نشان می‌دهد که «ما رایت الا جمیلاً هولاء قوم کتب الله علیهم القتل فبرزوا الی مضاجعهم» (مجلسی، ۱۳۶۲: ۴۵ / ص ۱۱۵). یعنی «جز زیبایی [در این شهادت] ندیدم. این خیل شهدا کسانی‌اند که خدا بهشت را بر ایشان مقرر نمود و آنان بشهادتگاه خویش شتافتند» رشادت، دلبری و شجاعت حضرت زینب پس از شهادت امام حسین (ع) در هر شرایط و مکانی اعم از کوفه، شام و مدینه برای بیان حقایق عاشورا مورد تأکید بسیاری قرار گرفته است (ر.ک شهیدی، ۱۳۶۶: ص ۱۹۳). از این رو حضرت زینب نمیتواند بعنوان بانویی احساسی و عاطفی به قول صفی‌علیشاه «در به در» بدنبال دیدار مجدد برادر و اندوهگین از شهادت ایشان باشد؛ ایشان اسارت را با جان و دل پذیرا شدند و در تمامی مدت اسارت به افشاگری علیه حکومت ناحق یزیدیان پرداختند؛ اینکه در اشعار صفی‌علیشاه امام حسین (ع) خبر از اسارت خواهر در آینده میدهد تا اندکی ایشان را آرام و آماده پذیرایی از این واقعه نماید و از شدت و سختی واقعه بکاهد، تنها نکته‌ای شاعرانه و تخیلی است:

هان برو زینب که خواهی شد اسیر هست جایب زین اسیری ناگزیر
چون خرابه گشت جایب شاد باش تا که گنج حق شود بر خلق فاش
(ص ۶۵)

بنظر میرسد از دیدگاه صفی علیشاه، امام حسین (ع) قصد دلداری خواهر را دارند و این مسأله با شجاعت و جسارت حضرت زینب در تعارض است:

آن اسیری زین شهادت بس سر است در اسیری تو حق پیداتر است
(ص ۹۸)

در روایت‌های تاریخی آمده است: «از مهمترین اقدامات شجاعانه و بیدارگرانه به روش عقلانی در سیره حضرت زینب (س) در شام بویژه در مجلس یزید است در حالی که یزید پس از شهادت امام حسین با دعوت از افراد مختلفی و احضار اهل بیت بمجلس خود، قصد تحقیر و رسوا داشتن آنان را داشت در مقابل او حضرت زینب از تحریف جایگاه خاندان نبوت و مصادره عاشورا و مشروع جلوه دادن اقدامات جنایتکارانه آنان جلوگیری نمود و با سخنانی روشنگرانه ضمن حفظ و بیان عزت و کرامت اهل بیت و تبیین قیام امام حسین (ع) به افشای ماهیت پلید بنی‌امیه و کنار زدن نقاب ظالمین موفق شد» (آقاجانی، ۱۳۸۸: ص ۹۶). طبیعی است که چنین بانوی دلآوری ترسی از اسارت ندارد و نیازی نیست که امام (ع) جهت آمادگی روحی، ایشان را از اسارت و عواقب آن آگاه سازد. در وصف حضرت علی اکبر صفی علیشاه با اضافه کردن محتوای تختلی و داستانی قصد دارد جنبه عرفانی واقعه را قوت بخشد. صفی علیشاه در ماجرای حضرت علی اکبر در میدان حرب علیه یزیدیان بیان میکند که در میانه جنگ حضرت به سبب فنای از خویش، مملو از حقیقت شده بود و قصد افشا و پرده‌داری حقایق الهی را داشت که حضرت اباعبدالله، دهان ایشان را با بوسه‌ای از سر مهر، مهر کرد و بسکوت فرا خواند:

چون بمیدان دست بر شمشیر زد تیغ لا بر فقرغیر پیر زد
چون فنای ذاتی او در رسید ذات حق را در وجود خویش دید
پس دهانش را بخاتم مهر کرد تا نگردد فاش اهل راز و درد
(ص ۲۳۵)

چنانکه ذکر شد یکی از معیارهای اساسی برای گزارش حادثه تاریخی عاشورا، اخبار و روایت‌های متقن و محکم است که با واقعیت سازگاری داشته باشد. «بی‌هیچ شک و تردیدی این قبیل اضافات و دستکاریها در نقل این رخداد، چیزی جز افسانه‌های روایی نیست» (شریف کاشانی، ۲۷۶ - ۲۸۰) که روایت‌های برساخته و جعلی از واقعه عاشورا را در میان حوادث آن قرار داده است از این قبیل داستانها بصورت قابل توجهی به اصل ماجرا افزوده است و حضرت علی اکبر را بعنوان آخرین شهید کربلا قبل از امام حسین (ع) قرار داده است. «گزارشهایی چون حضور شیر در روز عاشورا، حمل پیکر مبارک حضرت عباس به خیمه توسط امام حسین (ع) برغانی ۵۶۶، افسانه بازگشت سر امام به تن شریف او و دیدن پیامبر در قتلگاه: سپهر کاشانی، ۲۳۷ / ۴، حضور هاشم بن عتبّه در کربلا با نیزه هجده ذرعی و کشتن تعداد بسیاری از سپاه دشمن: نراقی، ۳۸۳ - ۳۸۶، باخبر شدن فضّه از حضور شیری در حوالی صحنه نبرد و آوردن آن بقتلگاه بمنظور جلوگیری از تاختن اسب به بدن مطهر امام و منصرف شدن دشمن از این کار با مشاهده آن حیوان: شریف کاشانی، ۲ / ۲۶۲} و... همگی از جمله مصادیقی است که بسیاری از مقتل نگاران بدلیل عدم رعایت سبک تاریخ‌نگاری بمعنای توجه به تواتر تاریخی نقل و همچنین حاکمیت رویکرد

احساسی بدنبال جعل گزارشها و تکمیل فرایند داستانی، بنقل چنین اخباری متمسک شده‌اند در حالیکه هیچیک از گزارشها با واقعیت‌های تاریخی سازگاری ندارد» (فلاح‌گر و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۷).

وداع امام با خویشان و اهل بیت: از دیگر نکات جعلی و برساخته‌ای که در روایت واقعه عاشورا توسط صفی‌علیشاه بمنظور تأکید بر بعد احساسی و عاطفی حادثه و تحت تأثیر قرار دادن مخاطب مورد توجه قرار گرفته است؛ ابیاتی سوزناک در بیان وداع امام حسین (ع) با اهل بیت خویش است. صفی‌علیشاه در بیان وداع امام از خانواده چنین آورده است:

کای پدر داری دگر عزم کجا	دل ز ما بگرفته‌ای	دیگر چرا
مر ز ما تو خطایی دیده‌ای	که دل از ما بیکسان	ببریده‌ای
گفت شه دارم هوای کوی دوست	آنکه در هر جا نگه دار تو	اوست
گفت بردارید دست از جان من	جان منا	میکند جانانم

(ص ۳۸۹)

هدف از رسالت امام حسین (ع) طبق آنچه در منابع وحیانی و قرآن کریم بعنوان رسالت حقیقی آزادگان و اولیاء الله بیان شده است چیزی نیست جز آزادی خواهی و حقیقت‌جویی چنانکه در آیه ۱۱۲ از سوره مبارکه توبه آمده است: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» اصالت و محوریت بر امر به معروف و نهی از منکر، آزادی‌خواهی و مبارزه با ستم از اهداف اصلی نهضت اصلاحی و دینی امام حسین (ع) بوده است که سایر اهداف قیام تحت‌الشعاع آن قرار می‌گرفت. «در حادثه عاشورا» برخی اهداف، در واقع جزء اهداف اولیه و مقدماتی بودند که بعنوان بستر ساز اهداف اصلیتز ایفای نقش میکردند برای مثال تشکیل حکومت در کوفه، تنها بعنوان یک هدف اولیه و مقدماتی دارای ارزش بود تا زمینه‌سازی لازم برای امر بمعروف و نهی از منکر و تحقق عدالت و آزادی حقیقی فراهم گردد» (مطهری، ۱۳۶۳: ۲ / صص ۲۷ - ۳۹).

با چنین رسالت تاریخی و دینی که بر عهده امام حسین (ع) بود آیا میتوان درونمایه و محتوای این ابیات و عجز و لابه و گریه یاران از رفتن امام (ع) بمیدان نبرد و اندوه ایشان را با حقیقت تاریخی ماجرا، یکسان دانست؟! بیشک چنین نگرش ذوقی و تأویلی بحادثه عاشورا چیزی جز برجسته‌سازی ابعاد عاطفی و دور ساختن بُعد عقلانی در آن نمیتواند باشد. نسبت‌دهندگان این خرافات و مجعولات به هدف قیام امام، به این بهانه که بر بعد حزن و اندوه ماجرا بیفزایند نخواستند یا ندانسته‌اند که چنین نسبت‌هایی به سیره معصومین با اصل عزت‌طلبی امام (ع) ناسازگار است. اینکه خانواده پس از ایشان بی‌کفیل می‌ماند و درخواستهای آنان از امام برای جلب ترحم، ساحت مقدس امام را بنوعی از هدف اصلی دور ساخته و تنها احساسات مخاطب و خواننده را تحریک میکند. صفی‌علیشاه در بیان روایی و داستانی وداع امام حسین (ع) با اهل بیت بیش از حد بر نکته‌های عاطفی و غم‌انگیز داستان تأکید میکند:

شاه دین برگشت اندر خیمه‌گاه	تا نماید ملک را تفویض شاه
کودکان پاک معصوم از جناح	چونکه بشنیدند بانگ ذوالجناح
جملگی از خیمه بیرون ریختند	خوش بدامانش چو گرد آویختند

(ص ۱۵۳)

صفی‌علیشاه در بیان احساس ماجرا تا بدان حد اغراق میکند که شرایط روحی حضرت زینب را غمبار و ایشان را

از غم فراق برادر با حالی از بیهوشی توصیف میکند:

ناله زینب نمی آید بگوش	اندر اینجا رفته پنداری ز هوش
نیست زینب وقت بیهوشی تو	تنگدل شد شه ز خاموشی تو
گل بدست آمد کجا شد جوش تو	یا زبوی گل ز سر شد هوش تو

(همان)

ماجرای حضرت قاسم(ع): صفی علیشاه نیز با توجه به روایت‌های خرافی و جعلی در خصوص عروسی حضرت قاسم(ع)، به این داستان افسانه‌ای در روز عاشورا اشاره داشته است؛ صفی علیشاه در تأویلی عرفانی از این ماجرا بیان میکند که قاسم(ع) در روز مبارزه، کابین عشق خود را ترک کرد و قدم در راه عشقی بزرگتر نهاد؛ گرچه تأویل عرفانی او از عشق دلنشین است اما بنظر میرسد صفی علیشاه نیز تحت تأثیر این داستانهای خرافی به این روایت پرداخته است:

آمد اینجا یادم ای نور دو عین	قصه داماد شاه دین حسین
قاسم آن کو کرد جان کابین عشق	زد قدم مردانه پس در چین عشق
آستین عشق را بالا شکست	شیشه هستی بسنگ لا شکست

(ص ۷۸)

مثنوی گنجینه‌الاسرار

گنجینه‌الاسرار یکی از آثار عرفانی در حیطه ادبیات عاشورایی است؛ شاعر آن عمان سامانی میباشد. «میرزا نورالله عمان سامانی مشهور به تاج‌الشعرا که در سال ۱۲۵۸ هـ. ق در سامان متولد شد. از جمله آثار وی گنجینه‌الاسرار است که تلفیقی از عشق و عرفان و حماسه را در حادثه عاشورا مورد توجه قرار داده است» (محمدی، ۱۳۷۵: ص ۱۱۵). عمان در خصوص انگیزه سرایش منظومه مذکور مینویسد: «مدتی بود در طریق سلوکم گاهی از راه مجاهدت، مشاهداتی و از روی ریاضت، استفاضاتی در مراتب توحید و رسومات تفرید و تجرید و قانون صاحبان راز و مقامات عاشقان جانباز دست میداد» (عمان سامانی، ۱۳۷۹: ص ۷). مثنوی گنجینه‌الاسرار عمان سامانی برداشتهای عرفانی از جریان عاشورای حسینی(ع) توجه به داستان خاندان اهل بیت از جمله حضرت قاسم، حضرت علی اکبر، حضرت زینب و حوادث فرعی و جانبی زیادی است که با زبان تأویلی و عرفانی مطالب غیر واقعی و ساختگی را هر چند در قالب آموزه‌ها و رموز تصوف به اصل روایت تاریخی عاشورا اضافه کرده است. هر چند اصل قیام امام حسین عشق به پاسداری از دیانت و سیره رسول اکرم(ص) و حفاظت از ارزشها و آرمانهای فراموش شده امت اسلامی بود اما تأکید بر جنبه عاشقانه و مورد غفلت قرار دادن دیدگاه عاقلانه امام(ع) در قیام علیه ظلم و حکومت جابرانه یزیدیان نکته‌ای است که عمان بر آن تأکید بسیار دارد. بر طبق منابع روایی قیام امام حسین(ع) بدنبال ضرورت سیاسی و اقتضایی بود که امام(ع) در بطن و ساختار حکومت فاسد وقت احساس نمودند تا با باز پس گرفتن قدرت، عدم بیعت با جابران زمان، کفر و ظلم را تقبیح نموده و علیه آن قیام نمایند (ر.ک حسینی، ۱۳۸۸: صص ۲۹۸ - ۲۹۹). اما تأکید عمان سامانی بمانند صفی علیشاه بیشتر بر جنبه عاشقانه این قیام است:

عشق آمد بر سرش با صد شتاب	باره پیش آورد بگرفتیش رکاب
خاصه شرح حال شاهنشاه عشق	مقتدای شرع و خضر راه عشق

(ص ۳۹۴)

تأکید بر مسئله تشنگی: عمان سامانی نیز با تأکید بر جنبه احساسی و عاطفی تشنگی امام تا جایی به داستان‌پردازی ادامه می‌دهد که فلک نیز با فریاد العطش امام (ع) همراه شده است:

چرخ ز استسقای آتش در طپش برده او بر چرخ بانگ العطش
ای ز شط سوی محیط آورده آب آب خود را ریختی واپس شتاب
(ص ۲۶)

عمان تا جایی بر مسئله تشنگی امام حسین (ع) تأکید دارد که راه‌گزاره‌گویی را در پیش می‌گیرد و با نادیده انگاشتن جایگاه و شأن امام و فضایل اخلاقی ایشان با تأویلی عرفانی امام را آن اندازه تشنه توصیف می‌کند که عجز و بیقراری امام از این حالت را بنمایش می‌گذارد:

ظاهراً از تشنگی بیتاب بود باطناً سرچشمه هر آب بود
این گهر از اشکهای پر زخون میکند الماسها را لعلگون
آبی ای لب تشنه باز آری بجو بو که آب رفته باز آری بجو
(ص ۴۶)

ورود این اخبار بکتبی مانند گنجینه‌الاسرار از این رهگذر بدنبال تأثیرگذاری گفتمان تصوف و رهیافت مقوله‌های عرفانی برای شهادت ایشان است. از این دیدگاه آنچه موجب شهادت امام حسین (ع) شده است، تجلی در دل سالک بود که سبب می‌شود امام جنگ را رها نماید و تسلیم مرگ شود «در حالی که امام در مواجهه با لشکر عمر سعد و در شرایطی که آنها مانع رسیدن آب به لشکر ایشان شده بودند، هیاهوی لشکر عمر سعد را خواباند و خود را به آنها معرفی کرد و از دعوتنامه‌های آنها سخن گفت تا با آنها اتمام حجت کند که می‌آید بعداً بگویند ما نمیدانستیم با چه کسی می‌جنگیم سخنان امام با مردم کوفه نشان می‌دهد که در هنگامه خطر و در شرایطی که کشته شدن امام بدست دشمن حتمی است، اما راه نجات را اطاعت از وظیفه الهی و عقلانی خویش میدانند. بنابراین عقلانیت، امام آگاهانه به نبرد پرداختند و تسلیم شدن در برابر مرگ را نپذیرفتند و قیام کردند» (قربانی، ۱۳۹۶: صص ۸۹ - ۹۱).

دلایل احساسی برای قیام امام حسین: عمان، هدف قیام عاشورایی امام حسین (ع) را نه تصمیم عاقلانه و درایت امام حسین در شرایط سیاسی حکومت بلکه تنها با کارکردی عاشقانه مورد توجه قرار داده است:

چو عشق خیمه زند عقل را چه جاه و خطر جو باد روی کند پشه را چه قدر و محل
(ص ۵۷)

در وصیت امام (ع) به برادرشان محمد بن حنیفه در آن مقطع زمانی تأکید بر اصولی مانند امر به معروف، نهی از منکر، اصلاح فساد از امت رسول الله و ترویج راه و رسم حضرت علی (ع) هویداست (ر.ک خوارزمی، ۱۳۶۷: ۱ / ص ۲۷۳ و مجلسی، ۱۳۶۲: ۴۴ / ص ۳۲۹). از این رو نمیتوان منکر بعد عقلانی قیام امام (ع) شد و تنها وجه همت ایشان و تأکید اصلی را بر مسئله عشق نهاد. «تحلیلهای عارفانه از حادثه کربلا میتواند یک حادثه سیاسی را بحادثه‌ای غیرسیاسی اما معنوی و عاطفی با ملاحظات صوفیانه تبدیل کند» (جعفریان، ۱۳۹۱: ص ۳۵۴). روایت‌هایی که تصمیم مردد در هاله‌ای از ابهام برای قیام امام حسین ذکر کرده‌اند مانند روایت فقل نیشابوری ۱ / ۱۸۰؛ طبری، ۲۳۳؛ ابن‌اثیر ۴ / ۵۱، ر.ک رفعت و رحمان، ۱۳۹۹: ص ۱۱۳) همگی بر بعد شک و تردید در وجود امام نسبت به قیام توجه نموده‌اند تا جایی که حتی ذکر شده است حضرت علی‌اکبر تا آخرین لحظات و نزدیک وعده‌گاه از تصمیم نهایی حضرت مطلع نبوده است (همان).

عمان سامانی از قول امام حسین به کتمان راز و بازگو نکردن حقایق اشاره میکند؛ در صورتی که طبق روایتهای تاریخی امام در نوبتهای مختلف هدف از قیام خویش را بی پرده و آشکار و بدون تردید و دودلی بیان نموده‌اند اما در شرح و بیان این موضوع عمان چنین میگوید:

کس مبادا ره بدین مستی برد	پی بدین مطلب به تردستی برد
در کف نامحرم افتد راز ما	بشنود گوش خران آواز ما
راز عارف در لب عام اوفتد	طشت اهل معنی از بام اوفتد

(ص ۲۳)

عمان در بیان روایتی ساختگی و تخیلی از ممانعت حضرت زینب (ع) در رفتن امام (ع) بمیدان جنگ میگوید:

پس ز جان بر خواهر استقبال کرد	تا رخس بوسد، الف را دال کرد
همچو جان خود در آغوش کشید	این سخن آهسته بر گوشش شنید
کای عنانگیر من آیا زینبی؟	یا که آه دردمندان در شبی
پیش پای شوق زنجیری مکن	راه عشق است این عنانگیری مکن

(ص ۴۰)

حضرت زینب (ع) نه تنها مانع و بازدارنده برادر از نبرد علیه طاغوت زمان نبود بلکه رهبری معنوی اهل بیت امام حسین (ع) را نیز بر عهده داشتند و در مقابل کوفیان، عبیدالله و یزید با صلابت و کوبندگی از قیام امام (ع) دفاع کردند. عمان در بیان رفتن حضرت علی اکبر بمیدان جنگ نیز با نگاهی عاشقانه (احساسی) از دل بستگی امام به فرزند یاد میکند و در توصیف قامت و جوانی ایشان از زبان امام حسین (ع) میگوید:

گه دلم پیش تو گاهی پیش اوست	رو که در یک دل نمیگنجد دو دوست
-----------------------------	--------------------------------

(ص ۵۹)

چنین توصیفات احساسی را میتوان در ابیات دیگر از منظومه عمان سامانی مشاهده نمود:

بیش از این بابا، دلم را خون مکن	زاده لیلی، مرا مجنون مکن
پشت پا بر ساغر حالم مزین	نیش بر دل سنگ بر بالینم مزین
خاک نم بر فرق بخت دل مریز	بس نمک بر لخت لخت دل مریز

(ص ۳۳)

آیا میتوان شخصیت والای امام حسین (ع) را تا به حد عشق و علاقه پدر و فرزندی و تردید امام برای دل کندن از فرزند در روز عاشورا تنزل داد؟ مسلم است که آنچه از این قبیل مجعولات در داستان اضافه شده است یا برساخته شاعر میباشد و یا حاصل مراجعه وی بمنابع نامعتبر؛ نیز در ابیاتی دیگر گلایه حضرت علی اکبر از عطش و تشنگی با جملاتی پر سوز و گداز جهت جلب توجه مخاطب مورد تأکید عمان سامانی قرار گرفته است که باز هم با مسأله عقلائی، هدف قیام و عزت طلبی خاندان اهل بیت (ع) در منافات کامل قرار دارد:

اکبر آمد العطش گویان ز راه	از میان رزمگه تا پیش شاه
کای پدر جان از عطش افسرده‌ام	می‌ندانم زنده ام یا مرده‌ام

(ص ۳۷)

نیز مکالمه و گفتگوی امام (ع) با شمشیر و اسبشان از دیگر نمونه‌های این موارد جعلی است:

کای سبک پر ذوالجناح تیز تک گرد نعلت سرمه چشم مَلک
 آنقدر در جای خود کردی درنگ تا گرفت آیینۀ اسلام زنگ
 هان و هان ای جوهر خاکستری زنگ این آئینه می‌باید بری
 (ص ۳۸)

و نیز نمونه‌هایی دیگر از این قبیل در «بیان عنان‌گیری خاتون سراپرده عصمت حضرت زینب»: :

خواهرش بر سینه و بر سر زنان رفت تا گیرد برادر را عنان
 سیل اشکش بست بر شه راه را دود آهش کرد حیران شاه را
 کای سوار سرگران کم کن شتاب جان من لختی سبکتر زن رکاب
 تا ببوسم آن رخ دلجوی تو تا ببوسم آن شکنج موی تو
 (ص ۳۸)

اصل افتخار و عزت‌طلبی ائمه معصومین از جمله امام حسین (ع) بعنوان رهبر نهضت و قیام عاشورا به اندازه‌ای قابل توجه و کارآمد است که بمانند اصل عصمت و پاکی، جزء اصول اولیه مکتب تشیع بشمار می‌رود (ر.ک فلاح‌گر و همکاران، ۱۳۹۹: ص ۳۴). طبق اصل عزت‌طلبی که در حادثه عاشورا کاملاً خودنمایی میکند گویی همه فضای عاشورا حول این محور می‌چرخد از این رو این حالات، عجز و لابه‌هایی را که عمان سامانی بحضرت زینب (س) نسبت می‌دهد، روایات حزن‌انگیز، خرافی و جعلی بیش نیست که به تبع درونمایه عرفانی این اثر بوجود آمده است. در برخی از منابع متقدم و متأخر، به وداع امام حسین (ع) با یاران‌شان چنانکه پیشتر نیز اشاره کردیم توجه شده است از جمله در برخی از گزارشها آمده است: «تقدم بعده شوب و لی شاکر فقال السلام علیک یا ابا عبدالله و رحمه اله و برکاته. استودعک الله و استرعیک و تقدم عابس بن ابي [شبيب الشاکری فسلم علی الحسین و دعه و...» (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲ / صص ۱۰۵ - ۱۰۶). اما صرف نظر از این اشارات تاریخی توجه به وداعهای جانسوز با منطق عقلانی و رسالت قیام امام (ع) همخوانی ندارد. این نوع قرائتهای عاطفی، عرفانی و ذوقی از واقعه عاشورا و نسبت دادن رفتارهای منفعلانه و هیجانی به امام (ع) و اطرافیان ایشان با فرایند رهبری و قیام امام همخوانی ندارد. چنانکه وضعیت روحی امام (ع) در عین خستگی در ساعات پایانی عمر مبارک ایشان همچنان سرشار از صلابت و کوبندگی است. وضعیت روحی امام حسین (ع) هنگام نبرد و مبارزه با سپاه عمر سعد در آخرین ساعات این نبرد و پس از تحمل شدیدترین مصائب از جمله از دست رفتن بهترین عزیزان حضرت چنین توصیف شده است: مردان جنگی از راست و چپ بر حسین یورش بردند و او بهر طرف چپ و راست حمله میکرد و آنان ترسیدند [و عقب نشستند]... (طبری، ۴ / ص ۳۴۵؛ ر.ک مفتخری و رنجبر، ۱۳۸۷: ص ۱۸۶ - ۱۸۷). نیز بنقل از منابع معتبر شجاعت، دلاوری و قدرت روحی و صلابت امام (ع) در نبرد چنان بود که در توصیف ایشان آمده است: «فجلی الحسین کما یجلی الصقر ثم شد شد لیث اغضب [یعنی]، حسین چون عقاب برجست و همانند شیری خشمگین، حمله آورد» (همان: ص ۱۸۷).

عمان سامانی در بیان عجز و لابه امام حسین (ع) به حضرت زینب برای صبوری و شکیبایی در غم از دست دادن شهادت ایشان چنین آورده است که امام از حضرت زینب میخواهد که در غم زاری نکنند و معجز از سر بردارند:

جان خواهر در غم زاری مکن با صدا بهرم عزاداری مکن
 معجز از سر، پرده از رخ و مکن آفتاب و ماه را رسوا مکن
 (ص ۲۷)

روایت دویدن حضرت زینب بسمت محل شهادت امام حسین (ع) با پای و سر برهنه و طلب یاری از عمر بن سعد در برخی از منابع از جمله (شوشتری، ۱۳۹۱: ص ۲۸۹). ذکر شده است. عمان در نگرش عرفانی خویش بر آن است که امام (ع) در مسیر قیام خویش با مانعی از دل‌بستگی عرفانی مواجهه بود و آن هم حضور وجود علی اکبر (ع) بود و از این رو امام بر خویش فرض داشت که از وی نیز بگذرد و با فنای در حق به بقای در ذات دست یابد:

از تعلق پرده‌ای دیگر نماند
سده راهی جز علی اکبر نماند
راست بهر فتنه قامت کرده‌ای
و کز این قامت قیامت کرده‌ای
گه دلم پیش تو گاهی پیش اوست
رو که در یک دل نمیگنجد دو دوست
(۵۵ - ۵۷)

درست است که هدف اصلی قیام امام حسین مبارزه با ظلم، برقراری عدالت و از بین بردن آمال و وسوسه‌های انسان و دنیاطلبی در مکتب و سیره جد بزرگوارشان حضرت محمد (ص) بود، اما چنین نیست که امام، بدلیل دل‌بستگی بفرزند دل‌بسته دنیا باشند و دچار تردید شوند. بیشک چنین نگرشی تنها حاصل ذوق و قریحه شاعر و دخالت عواطف وی در روایت تاریخی است.

آتشکده نیر تبریزی

میرزا محمد تقی متخلص به «نیر» از شعرای دوره قاجار است پدرش فیلسوف و فقیه نامدار «ملا محمد مامقان» از علمای آذربایجان بود. نیر تبریزی در فنون شعر، فقه، حدیث و بلاغت عربی سرآمد بود و خط نیکویی داشت و با فضلا و علمای عصر معاشرت بسیار داشت. از نیر تبریزی مثنوی آتشکده، لالی منظوم و دیوان غزلیات و چند اثر دیگر بر جای مانده است (رک محمدی و قربان‌پور، ۱۳۹۲: ص ۱۲۹).

رویکرد اغراق آمیز و غیر عقلانی: در آتشکده نیر تبریزی نیز وداع امام با اهل بیت بصورت اغراق آمیز و کاملاً احساسی مورد توجه قرار گرفته است. صحنه‌های خداحافظی امام با زنان و کودکان، گریه‌ها و بیتابیه‌های اهل بیت ایشان تا جایی که خواننده را تنها با ابعاد حزن‌آلود واقعه آشنا میکند، نکته‌ای است که باید در این اشعار بجهت اغراق آمیز بودن و شائبه‌های روایت تاریخی مورد توجه قرار داد؛ بر سر زدن و ناراحتی حضرت زینب و اهل حرم برای جلوگیری یا منصرف ساختن امام (ع) از رفتن به میدان جنگ را نمیتوان با هیچ سنجه عقلانی و منطقی در فلسفه قیام امام حسین (ع) و رشادت ایشان توجیه نمود:

ماند تنها چو بمیدان بلا
از پس یاران خدیو کربلا
سر توحید خداوند ودود
شد مجرد از اضافات و حدود
یک به یک شد در ره جانان نثار
هر چه در گنجینه در شاهوار
حسن جانان پرده از رخ برگشود
برق غیرت سوخت یکسر هر چه بود
سوی خرگاه امامت تاخت رو
روز روشن خور بمغرب شد فرو
خواهران چون عقد در بستند صف
گرد آن شه گوهر درج شرف
دختران چون اختران روشنش
انجمن گشتند در پیرامنش
بانوان نالان بدورش با حنین
در فلک بر سر زنان روح‌الامین
(۹۲)

در ادامه نیز تبریزی بیان میکند که امام به هر صورت و شیوه‌ای، قصد در قانع ساختن اهل حرم برای رفتن بمبارزه و جهاد را دارد:

گفت کای پوشیده رویان حجیز نیست کس را از اجل روی گریز
 چون شوم من کشته در دست عدو سینه نشکافید مخراشید رو
 زینهار ای بانوان مستمند که صدا سازید بر مویه بلند
 (۹۳)

وداع جانسوز و احساسی: باید توجه داشت که نهضت عاشورا، نهضتی دینی بوده است که بُعد اصلی آن، بُعد عقلانیت و ایمان است نه عاطفه و احساس و خرافات. «تحریف رسالت امام حسین (ع) تا سر حد دلداری دادن به اهل بیت، خواهران و دختران راضی کردن آنها برای عدم بیتابی و... از جمله داستانهای جعلی است که یا وسیله ارتزاق از راه دین بوده است یا از روی جهالت و ناآگاهی بر روایت‌های تاریخی افزوده شده است» (قربانی، ۱۳۹۶: ص ۳۱۷). بنظر میرسد این نوع آسیبها ریشه در آیینهای روضه‌خوانی در دوران قاجار داشته است که البته از ادوار پیش تأثیر خود را آشکار نموده است. اطلاعات نادرست یا اندک، عدم مراجعه به منابع معتبر و غفلت از هدف امام حسین (ع) در نبرد عاشورا سبب میشود که این رخداد سترگ در حد تراژدی غمگین تنزل پیدا کند و هدف سراینده آن تنها بیان جنبه‌های عاطفی و هیجانی بقصد به گریه انداختن مخاطب باشد. نکته قابل تأمل دیگر در نقد روایت یاد شده و استبعاد چنین گزارشی آنکه حضرت زینب (س) و سایر بانوان پرده‌نشین و با حجاب در حرم اهل بیت آیا ممکن است که بدلیل سوگواری حجاب از سر انداخته و در انتظار حاضر شوند؟ این چنین وداع جانسوز و نصایح دنیوی بنظر میرسد که چیزی جز داستان‌پردازی شاعر نباشد. ایستادگی و صلابت امام (ع) در روز عاشورا چنان بوده است که «حمید بن مسلم» از سپاهیان عمرسعد، در توصیف مبارزه ایشان آورده است: «حسین (ع) با اینکه پیاده می‌جنگید، چون تفسواری دلیر، از تیر پرهیز کرده و بدنال فرصت حمله بود و بسواران حمله میکرد» (مفتخری و رنجبر، ۱۳۸۷: ص ۱۸۷). حالا آیا میتوان باور کرد دلآوری با چنین اوصاف و رشادتی کم‌نظیر، از جان خویش و مرگ واهمه داشته و در واپسین لحظات که لحظات بسیار حساس و حیاتی در نبرد بوده بفکر گریه و دلداری دادن به اهل بیت و زنان خیمه باشد؟! بعد تراژیک غریبی، تنهایی، تشنگی، رنج، بیچارگی و توجه به مظلومیت صرف در قالب گزارشهای بی‌پایه و اساس و مجعول، بصورت بسیار زیادی به امام و خاندانش نسبت داده شده است. نمونه‌ای دیگر از وداع امام با حضرت سکینه در تأیید مطالب فوق:

دخت شه بارید بر دامن گهر گفت استسلمت للموت ای پدر؟
 گفت چون ندهد کسی بر مرگ تن ای بلاکش دختر مه روی من...
 زین بیابان نیست کس را ره به در دخترا از این تمنا در گذر
 (ص ۹۵)

این زبان حال ذلت بار که منسوب به دختر کوچک امام حسین (ع) است تنها تأکیدی بر بعد غم‌انگیز واقعه کربلاست. در دوران حکومت قاجار بدلیل همسویی ظاهری حکومت با این جریانات بیش از حد و حتی بصورت مبالغه‌آمیزی این قبیل مرثیه سراییها و داستانها ترویج و تبلیغ میشد و شاید بتوان گفت عمده‌ترین قرائت در کتب آیینی - دینی در خصوص عاشورا و محافل عزاداری شیعیان بود. در بیان گریه و زاری امام حسین (ع) در میدان حرب آمده است:

تاخت سوی حربگه نالان و زار همچو ذره سوی مهر تابدار
 شه بمیدان چشم خونین باز کرد خواهر غمدیده را آواز کرد
 که مهل ای خواهر مه روی من کاید این کودک ز خیمه سوی من
 دامنش بگرفت زینب با نیاز گفت جانا زین سفر برگرد باز
 (ص ۴۰)

بیان داستانی، نگرش جزئی بشیوه قصه‌گویی، استناد بمنابع غیرمعتبر، تأثیرپذیری از تفکرات و شیوه تأویلی و ذوقی صوفیه همگی از جمله عوامل مؤثر در چنین داستان سراییهاست. بنظر میرسد نیز تبریزی نیز مانند دیگر شاعران یاد شده نیاز جامعه و جذب مخاطب را در محیط فرهنگی و مذهبی دوران قاجار بسیار مورد توجه قرار داده و چنین رویکردی را بمنظور تهییج عواطف و تأثیرپذیری بر احساسات مخاطب مورد توجه قرار داده‌اند. فضای اندوهگین و غمبار را در تمامی منظومه آتشکده میتوان بخوبی مشاهده نمود؛ تا جایی که نیز از کمک جبرئیل به امام سخن بمیان می‌آورد:

جبرئیل آمد شتابان بر زمین از فراز عرش رب العالمین
 گفت کای فرمانده ملک وجود پیشت آوردستم از یزدان درود
 گفت برگو ای برید کوی یار تا به پیغامش کنم صد جان نثار
 گفت فرمودت که ای سالار عشق ای ز تو بالا گرفته کار عشق

نتیجه گیری و پایان سخن

با توجه به پژوهش پیش‌رو میتوان نتیجه گرفت که بعلت آمیخته شدن مباحث و اخبار سره و ناسره در تاریخ واقعه کربلا، روایتهای مربوط به این مسأله با آسیبهای فراوانی در طول تاریخ بویژه گرایشهای افراطی حکومتهای ایرانی از دوران صفویه به بعد ایجاد شد. حضور کم‌رنگ علمای حقیقی شیعه در صحنه منازعات سیاسی و دربار، رواج صوفی مسلکی، گرم بودن بازار روضه‌خوانان عوام فریب بمنظور رواج خرافه‌گویی در راستای شرایط فکری جامعه، عدم آگاهی و مطالعه روایتهای تاریخی متقن و قابل اعتماد توسط شاعران و نویسندگان از مطالب مجعول مقاتل و روایتهای سست نشان میدهد که روایات موجود در خصوص قرائت تاریخی حادثه کربلا همگی حاکی از آن است که این روایت دستخوش احساسات، اسطوره‌پردازی و داستان‌سراییهای بسیاری از جمله توجه به گریه و شیون اهل بیت، ناراحتی امام (ع) از دل کندن از فرزند و خانواده، توجه به بعد افراطی عطش در قیام امام، وداع جانسوز با اهل بیت، عروسی فرزند در بحبوحه نبرد عاشورا و تأویلهای عرفانی از این حادثه همگی حاکی از الگوبرداری نادرست راویان از منابع غیرمعتبر و یا داستان‌پردازی در این عرصه است. از رهگذر فضای سیاسی، استبداد فکری و سیاسی بیشتر حاکمان، ضعف جانبداری و حمایت آنان از شعائر حقیقی شیعی و مبانی آیین، تأثیر منبع برگزاری عزاداری امام حسین در ادوار قبل و ایجاد زمینه مناسب برای برخوردهای هیجانی و عاطفی با این مسأله پس از باز شدن فضا و فرصت یافتن، حضور کم‌رنگ علمای واقعی شیعه در بدنه حکومت و جایگزینی آنان با صوفیان و روضه‌خوانان عوام فریب، دور شدن از سبک تاریخ‌نگاری حقیقی و ورود مطالب غیرعقلانی به روایتهای شعری و کتب ادبی در خصوص حادثه کربلا و نبودن منبع و مصدری برای نظارت و ارزیابی بر این قبیل خرافه‌گوییها و نفوذ شبه‌معنویتهای دروغین در حیات سیاسی و اجتماعی ایران از جمله دلایل خرافه‌گویی در روایت تاریخی نهضت امام حسین (ع) بویژه در دوران قاجار میباشد.

مشارکت نویسندگان:

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج استخراج شده است. جناب آقای دکتر رضا برزویی راهنمایی این رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مطالعه و نویسنده مسئول بوده‌اند. سرکار خانم دکتر شراره الهامی بعنوان مشاور و محمدهادی مرادی پژوهشگران این رساله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر می‌باشد.

تشکر و قدردانی:

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج و مسئولین و اساتید فرهیخته نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام نمایند.

تعارض منافع:

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

REFERENCES

- Holy Quran. Translation: Mehdi Elahi Qomshaei.
- Aghajani. Ali (1388). Mourning injuries. The effort of the assembly of teachers and researchers of the scientific field of Qom. Qom: Sahifah Kherad, p. 96.
- Chardin. John (1375). Chardin's travelogue. Translation: Iqbal Yaghmai. C3. Tehran: Tos, p. 1032.
- Coleyni. Abu Jaafar Muhammad bin Yaqub (1375). Al-Kafi. Translation: Mohammad Baqer Kameraei. C. 5. Qom. Asoeh, pp. 63-64.
- Dehbashi Mehdi and Mirbaghri Fard. Ali Asghar (1384). History of Sufism. Tehran: Samt, p. 68.
- Eruption. John (2014). Fragile resistance: Iran's social history from the Safavid era to the years after the Islamic revolution. Translation: Ahmed Tedin. Tehran: Rasa, p. 78.
- Fallahgar Mohammadreza et al. (2019). Pathological criteria of Ashura news in Qajar era fighter. Scientific-Research Quarterly Journal of Islamic History. 10th year The thirty-seventh number. pp. 27-48.

- Foran. John (2014). The breaking resistance of Iran's social history from the Safavid era to the years after the Islamic revolution. Translation: Ahmed Tadayon. Tehran: Rasa, p. 78.
- Ghorbani. Ghodratollah (2016). Shiite rationality and the Ashura movement. Ilam: Risman: pp. 290-296.
- (2016). The role of rationality in the Ashura movement. Maarif Hosseini research paper. second year. Number 8. pp. 75-97-317.
- Hosseini. Seyyed Abdullah (1388). Introduction and criticism of Ashura sources. second edition. Tehran: Research Institute of Islamic Sciences and Culture, pp. 217-298-271-299.
- Ibn Fandoq. Zahir al-Din Abul Hassan (1385). LObab Al-Ansab and Alqab and Aaqab. C1. Qom: Ayatollah Marashi School, p. 404.
- Ibn Saad. Muhammad (1374). Tabaqat al-Kabari. Translation: Mahmoud Mahdavi Damghani. Volume 5. Tehran: Culture and Thought, p. 102.
- Jafarin. Rasool (1377). The history of Shiism in Iran. Fifth Edition. Tehran: Islamic Propaganda Organization: pp. 168-170.
- (1391). A reflection on the Ashura movement. Tehran: Elm, pp. 412. 354.
- johari. Mohammad Ibrahim (2019). Al-Baqa storm in Muqatil al-Shahda. second edition. Tehran: Blue sky. p. 223.
- Kafi. Gholamreza (1388). Description of noon system. Tehran: Ashura Cultural Complex, p. 35.
- Kasgefi. Hussein (1390). RozatoalShohada Correction: Hossein Zulfiqari. Tehran: Moin, pp. 581-584.
- Kharazmi. Ahmad (1367). Death of al-Hussein. Volume 1. Tehran: Anwar Al-Hadi, p. 273.
- Maarff. Majid and Moradi. Laiya (2016). Examining the use of reason in criticism of narrations. Two-quarter scientific-research journal of hadith research. ninth year Number 18. pp. 116-85.
- Majlisi. Mohammad Bagher (1362). Bahar Al-Anwar. Volumes 15 and 40. 44. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya, pp. 115-217-329.
- Masoudi. Abdul Hadi (2016). Criticism of hadith. Fifth Edition. Tehran: University of Qur'an and Hadith in collaboration with Samit Publications, p. 60.
- Moftakhaari. Hussain and Ranjbar. Mohsen (1387). An emotional-emotional approach to the event of Ashura in Iran. Scientific-research journal of Shia studies. sixth year Number 24. pp. 169-212. 45. Isolated. Ahmed (1374). Word list of Persian books. Tehran: Encyclopedia B.

- Mohammadi. Barat and Ghorbanpur. Alireza (2012). A reflection on the attitude and poetics of Niyar Tabrizi in the poem Ateshkode. *Literary Aesthetics Quarterly*. Fifth year (new period). Number 16. pp. 135-167.
- Mohammadi. Bijan (1375). A treasure of knowledge. Tehran: Bagh Aineh, p. 115.
- Monzavi. Ahmed (1374). Word list of Persian books. Tehran: Big Islamic Encyclopedia, p. 123.
- Motahari. Morteza (1363). Hosseini's epic 3 volumes. Tehran: Sadra, pp. 256-254-27-59.
- Nayer Tabrizi. Mohammad Taghi (1319). Atashkadeh. second edition. Tabriz: Rezaei printing house.
- Qomi. Sheikh Abbas (1379). The end of hope in the history of the prophet and the saints. Volume 2. Qom: Dalil Ma, pp. 887-888-889.
- Rafat Mohsen and Rahman. Mohammad Kazem (2019). Examining the Ashura narrative of Tabari's history: the time period before Ashura. *Journal of Quran and Hadith Sciences*. The fifty-second year. Number 2. Series 105. pp. 117-95.
- Ranjbar. Mohsen (1386). A journey in the obituary writing and historiography of Ashura from the beginning to the present era. *History in the mirror of research*. Number 15. pp. 79-90.
- Ripka. Yan (1383). History of Iranian literature. Translator: Abulqasem Siri. Volume 2. Tehran: Sokhn, p. 275.
- Safi Alisha. Mirzahasan (1385). *Zobdatolasrar* Tehran: Safi Alisha Publications.
- Salimi. Hoda et al. (1400). Analyzing the role of distortions of Ashura in the crisis of Shiite spirituality in the contemporary era with an emphasis on the death of Tadzki al-Shohadah. *Scientific-Research Quarterly of Shia Studies*. 19th year No. 76. pp. 119-146.
- Samani Oman. Mirza Nurullah (1379). *Ganjinatolasrar*. Shahrekord: Oman Samani Publications.
- Samavi. Muhammad (1384). *Absar al-Ain fi Ansar al-Hussein*. Qom: The whisper of guidance. P. 71.
- Semnani. Alaa al-Dawlah (1366). forty councils Introduction, proofreading and notes: Najib Mayel Harvi. Tehran: Adib, p. 31.
- Shahidi Seyed Jafar (1366). The life of Ali ibn al-Hussein. Tehran: Islamic Culture Publishing House, p. 193.
- Shushtri. Jafar bin Hossein (1391). *Al-Khasays al-Husainiyyah*. Translated by Mohammad Hossein Shahrastani. Mashhad: Cultural Institute and Stable Publications, p. 289.

- Tabari. Abu Jaafar Muhammad Bin Jarir (1363). Tabari's Tarikh: The History of the Nations and Al-Muluk. Abolfazl Ebrahim's research. Translator: Abolghasem Payandeh. C. 4. Tehran: Urmia School.
..... (1387 AH). The history of the nations and the kings.
Research: Mohammad Abolfazl Ebrahim, vol. 4. Beirut: Darotoras, p. 324.
- Tabarsi. Abu Mansour Ahmed (1381). protest Translated by Bahram Jafari. Volume 2. Tehran: Islamia, pp. 2-3.
- Tabatabai. Seyyed Mohammad Hossein (1417). Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an. C. 2. Qom: Islamic Publications Office of the Faculty of Education, p. 254.
- Zia'i. Seyyed Abdul Hamid (2016). Sociology of distortions of Ashura: a critical-pathological approach to religious rituals, Muqatil and poetic literature. Tehran: Hazara Qoghnos, p. 7.
- Ziyai. Abdul Hamid (1384). Sociology of distortions of Ashura. Tehran: Hazara Qoqnos, pp. 56-62.

فهرست منابع فارسی

- قرآن مجید. ترجمه: مهدی الهی قمشه‌ای.
- ابن سعد. محمد (۱۳۷۴). طبقات الکبری. ترجمه: محمود مهدوی دامغانی. ج ۵. تهران: فرهنگ و اندیشه، ص ۱۰۲.
- ابن‌فندوق. ظهیرالدین ابوالحسن (۱۳۸۵). لباب‌الانساب و الاقباب و الاعقاب. ج ۱. قم: مکتب آیت‌الله مرعشی، ص ۴۰۴.
- آقاجانی. علی (۱۳۸۸). آسیبهای عزاداری. بکوشش مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم. قم: صحیفه خرد، ص ۹۶.
- جعفریان. رسول (۱۳۷۷). تاریخ تشیع در ایران. چاپ پنجم. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی: صص ۱۶۸ - ۱۷۰.
- (۱۳۹۱). تأملی در نهضت عاشورا. تهران: علم، صص ۴۱۲. ۳۵۴.
- جوهری. محمد ابراهیم (۱۳۹۹). طوفان البكاء فی مقاتل الشهداء. چاپ دوم. تهران: آسمان نیلگون. ص ۲۲۳.
- حسینی. سید عبدالله (۱۳۸۸). معرفتی و نقد منابع عاشورا. چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، صص ۲۹۹ - ۲۹۸ - ۲۷۱ - ۲۱۷.
- خوارزمی. احمد (۱۳۶۷). مقتل الحسین. ج ۱. تهران: انوار الهدی، ص ۲۷۳.
- دهباشی. مهدی و میرباقری فرد. علی اصغر (۱۳۸۴). تاریخ تصوف. تهران: سمت، ص ۶۸.
- رفعت. محسن و رحمان. محمدکاظم (۱۳۹۹). بررسی روایت عاشورایی تاریخ طبری: برهه زمانی پیش از عاشورا. نشریه علوم قرآن و حدیث. سال پنجاه و دوم. شماره ۲. پیاپی ۱۰۵. صص ۹۵ - ۱۱۷.
- رنجبر. محسن (۱۳۸۶). سیری در مقتل نویسی و تاریخ‌نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر. تاریخ در آینه پژوهش. شماره ۱۵. صص ۷۹ - ۹۰.
- ریپکا. یان (۱۳۸۳). تاریخ ادبیات ایران. مترجم: ابوالقاسم سری. ج ۲. تهران: سخن، ص ۲۷۵.

سلیمی. هدی و همکاران (۱۴۰۰). واکاوی نقش تحریف‌های عاشورا در بحران معنویت شیعی در دوران معاصر با تأکید بر مقتل تذکره‌الشهدا. فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی. سال نوزدهم. شماره ۷۶. صص ۱۱۹ - ۱۴۶.

سماوی. محمد (۱۳۸۴). ابصار العین فی انصار الحسین. قم: زمزمه هدایت، ص ۷۱.
سمنانی. علاءالدوله (۱۳۶۶). چهل مجلس. مقدمه، تصحیح و تعلیقات: نجیب مایل هروی. تهران: ادیب، ص ۳۱.
شاردن. ژان (۱۳۷۵). سفرنامه شاردن. ترجمه: اقبال یغمایی. ج ۳. تهران: توس، ص ۱۰۳۲.
شوشتری. جعفر بن حسین (۱۳۹۱). الخصایص الحسینیه. ترجمه محمد حسین شهرستانی. مشهد: مؤسسه فرهنگی و انتشارات استوار، ص ۲۸۹.

شهیدی. سیدجعفر (۱۳۶۶). زندگانی علی بن الحسین. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۱۹۳.
صفی‌علیشاه. میرزااحسن (۱۳۸۵). زبده‌الاسرار. تهران: انتشارات صفی‌علیشاه.
ضیایی. سیدعبدالحمید (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی تحریفات عاشورا: نگرشی انتقادی - آسیب‌شناسی به روضه‌ها، مقاتل و ادبیات منظوم. تهران: هزاره ققنوس، ص ۷.

ضیایی. عبدالحمید (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی تحریفات عاشورا. تهران: هزاره ققنوس، صص ۵۶ - ۶۲.
طباطبایی. سیدمحمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ص ۲۵۴.

طبرسی. ابومنصور احمد (۱۳۸۱). الاحتجاج. ترجمه بهرام جعفری. جلد ۲. تهران: اسلامیه، صص ۳ - ۲.
طبری. ابوجعفر محمدبن جریر (۱۳۶۳). تاریخ طبری: تاریخ الامم و الملوک. تحقیق ابوالفضل ابراهیم. مترجم: ابوالقاسم پاینده. ج ۴. تهران: مکتب ارومیه.
..... (۱۳۸۷ ق). تاریخ الامم و الملوک. تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم ج ۴. بیروت: دارالتراث، ص ۳۲۴.

عمان سامانی. میرزا نورالله (۱۳۷۹). گنجینه‌الاسرار. شهرکرد: انتشارات عمان سامانی.
فلاح‌گر. محمدرضا و همکاران (۱۳۹۹). معیارهای آسیب‌شناسی اخبار عاشورا در مقاتل عصر قاجار. فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه تاریخ اسلام. سال دهم. شماره سی و هفتم. صص ۲۷ - ۴۸.
فوران. جان (۱۳۹۴). مقاومت شکننده تاریخ اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی. ترجمه: احمد تدین. تهران: رسا، ص ۷۸.

قربانی. قدرت‌الله (۱۳۹۶). نقش عنصر عقلانیت در جریان نهضت عاشورا. پژوهشنامه معارف حسینی. سال دوم. شماره ۸. صص ۷۵ - ۹۷ - ۳۱۷.

..... (۱۳۹۶). عقلانیت شیعی و نهضت عاشورا. ایلام: ریسمان، صص ۲۹۰ - ۲۹۶.
قمی. شیخ عباس (۱۳۷۹). منتهی‌الآمال فی تواریخ النبی والال. ج ۲. قم: دلیل‌ما، صص ۸۸۷ - ۸۸۸ - ۸۸۹.
کاشفی. حسین (۱۳۹۰). روضه‌الشهدا. تصحیح: حسین ذوالفقاری. تهران: معین، صص ۵۸۱ - ۵۸۴.
کافی. غلامرضا (۱۳۸۸). شرح منظومه ظهر. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا، ص ۳۵.

- کلینی. ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). الکافی. ترجمه: محمدباقر کمره‌ای. ج ۵. قم. اسوه، صص ۶۳ - ۶۴.
- مجلسی. محمدباقر (۱۳۶۲). بحارالانوار. ج ۱۵ و ۴۰. ۴۴. تهران: دارالکتب الاسلامیه، صص ۱۱۵ - ۲۱۷ - ۳۲۹.
- محمدی. برات و قربان‌پور. علیرضا (۱۳۹۲). تأملی بر نگرش و شاعرانگی نیر تبریزی در منظومه آتشکده. فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی. سال پنجم (دوره جدید). شماره ۱۶. صص ۱۳۵ - ۱۶۷.
- محمدی. بیژن (۱۳۷۵). گنجینه معرفت. تهران: باغ آینه، ص ۱۱۵.
- مسعودی. عبدالهادی (۱۳۹۶). وضع و نقد حدیث. چاپ پنجم. تهران: دانشگاه قرآن و حدیث با همکاری انتشارات سمت، ص ۶۰.
- مطهری. مرتضی (۱۳۶۳). حماسه حسینی. جلد ۳. تهران: صدرا، صص ۲۷ - ۵۹ - ۲۵۴ - ۲۵۶.
- معارف. مجید و مرادی. لعیا (۱۳۹۶). بررسی کاربرد عقل در نقد روایات. دوفصلنامه علمی - پژوهشی حدیث پژوهی. سال نهم. شماره هجدهم. صص ۸۵ - ۱۱۶.
- مفتخری. حسین و رنجبر. محسن (۱۳۸۷). رویکرد احساسی - عاطفی به واقعه عاشورا در ایران. نشریه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی. سال ششم. شماره ۲۴. صص ۱۶۹ - ۲۱۲.
- منزوی. احمد (۱۳۷۴). فهرست واژه کتابهای فارسی. تهران: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ص ۱۲۳.
- نیر تبریزی. محمد تقی (۱۳۱۹). آتشکده. چاپ دوم. تبریز: چاپخانه رضایی.

معرفی نویسندگان

محمدهادی مرادی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

(Email: moradi99hadi@gmail.com)

رضا برزویی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

(Email: reza.borzoiy@iau.ac.ir: نویسنده مسئول)

شراره الهامی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

(Email: Isharare26@yahoo.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Mohammad Hadi Moradi: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

(Email: moradi99hadi@gmail.com)

Reza Borzoiy: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

(Email: reza.borzoiy@iau.ac.ir: Responsible author)

Sharare Elhami: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

(Email: Isharare26@yahoo.com)